

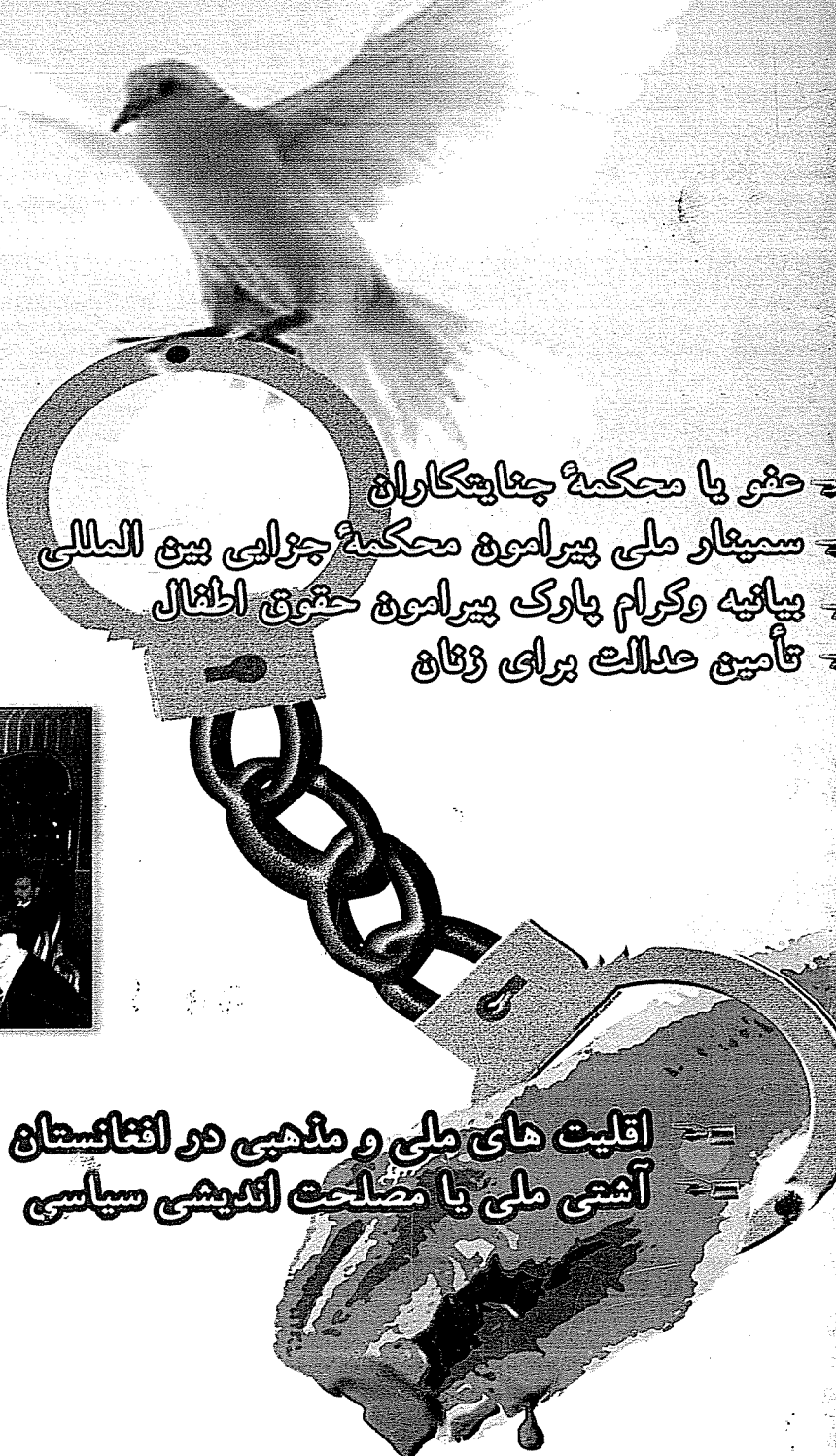
اعدالت



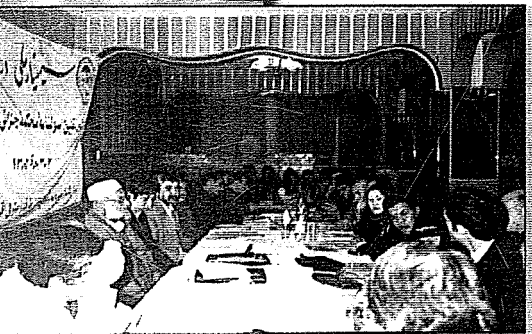
فرهنگ و ادب

مجموعه تخصصی افغانی طرفدار حقوق اقلیتها

کاهنامه حقوقی، اجتماعی و فرهنگی. شماره سوم / سال اول، جنوری و فیبروری ۲۰۰۵، مطابق با دلو و حوت ۱۳۸۳



عفو یا محکمه جنایتکاران
سمینار ملی پیرامون محکمه جزایی بین المللی
بیانیه و کرام پارک پیرامون حقوق اطفال
تأمین عدالت برای زنان



اقلیت های ملی و مذهبی در افغانستان
آشتی ملی یا مصالحت اندیشی سیاسی

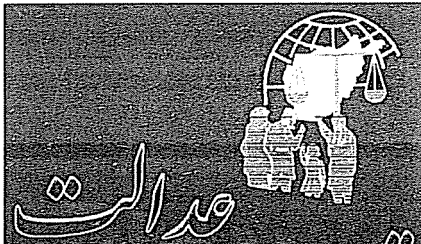
نمایی از سمینار ملی، پیرامون تطبیق

ما پید و میل به ناحق نکیم
جامعی کس سپاه دلق خود ارزق نکیم

- ۲ عفو یا محکمه‌ی جنایتکاران
 ۴ سمینار ملی پیرامون محکمه‌ی جزایی بین‌المللی
 ۱۵ نقش اپامر
 ۲۴ بیانیه‌ی وکرام پارک پیرامون حقوق اطفال
 ۲۶ مسئله‌ی حقوقی محاکمه‌ی اطفال
 ۳۰ اقلیت‌های ملی و مذهبی در افغانستان
 ۳۴ آشتی ملی یا مصلحت‌اندیشی سیاسی
 ۳۶ تأمین عدالت برای زنان ...
 ۳۸ اعلامیه‌ی حقوق اقلیت‌ها
 ۴۰ گزیده‌ای از اصولنامه‌ی روم
 ۴۴ Amnesty International

نشانی:
 North west of Nadirya
 High School apartment
 No.2 opposite Emam
 Abuhanifa Mosque
Mobile: 070016983-
 070207458-079301434
E-mail:
 apamrfg@yahoo.com

اپارتمان نمبر(۲) شمال غرب لیسه نادریه،
 مقابل مسجد جامع حضرت نعمان ابن
 ثابت امام اعظم (رح)، کارته پروان کابل -
 افغانستان
موبایل: ۰۷۰۰۱۶۹۸۳-۰۷۰۲۰۷۴۵۸-
 ۰۷۹۳۰۱۴۳۴
ایمیل: apamrfg@yahoo.com



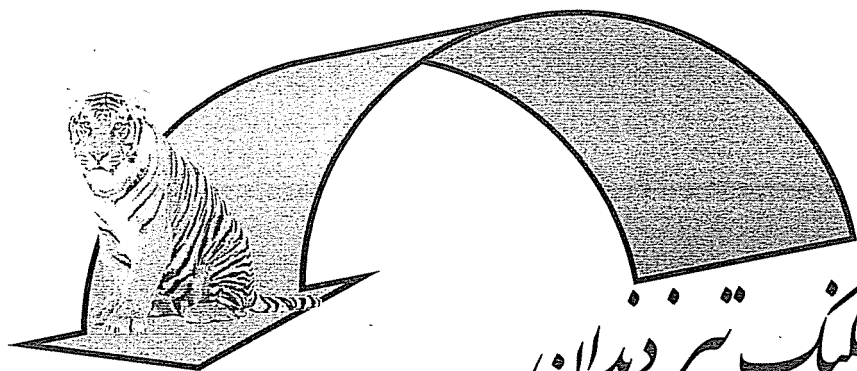
فرمانبران و عدالت

صاحب امتیاز:
 مجمع متخصصین افغانی طرفدار
 حقوق اقلیت‌ها (APAMR)

تحت نظر هیئت تحریر:
 داکتر داود نجفی
 استاد سید امان‌الله ابدالی
 نعمت‌الله ابراهیمی
 ج. علی اوحدی

نایب و دبیران: محمد مظفری
 طراح جلد: ج. علی اوحدی و
 محمد مظفری

✓ مقالات ارسالی حقوقی،
 اجتماعی و فرهنگی شما را که
 با پالیسی نشراتی ما موافق باشند
 با محبت پذیرفته و در قسمت
 ویرایش و تصحیح آن آزاد
 می‌باشیم.
 ✓ مقالات ارسالی، الزاماً
 معرف آراء ما نخواهد بود.



ترحم بر پلنگ سزودندان

سرمکاری بود بر کوشندان

بشر گردید. و آقای رئیس جمهور کرزی نیز از آن در مصاحبه‌هایش استقبال کرده جواب مثبت داد که خدا کند همچون وعده‌های دیگرش تنها به وعده باقی نمانده و گامی در این راستا برداشته شود.

موضوع مطرح شده در جامعه افغانستان و مطبوعات بازتاب‌های گوناگون یافت برخی از رسانه‌های خبری و نشراتی جداً از آن به حمایت پرداخته و استقبال کردند و جمعی به آن به دیده‌ی شک و تردید نگریسته و آن را یک موضوع جدی نگرفته‌اند. بعضی هم شرایط را نامساعد دانسته راه عفو و بخشش را پیشنهاد کرده و محاکمه را سر آغاز یک جنگ جدید

کاران و ناقضین حقوق بشر در افغانستان می‌باشند و موضوع را با رئیس جمهور آقای کرزی با حضور داشت نماینده‌ی سازمان ملل و دیگر نهادهای حقوقی ملی و بین‌المللی به میان گذاشت و از دولت و آقای کرزی خواهان محاکمه مجرمین جنگی و نقض کنندگان حقوق

اخیراً کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بر اساس آمارگیری‌هایی که از داخل افغانستان و همچنان از مهاجرین افغانستانی در پاکستان و ایران بدست آورده بود، اعلان داشت که ۷۰ درصد از مردم افغانستان خواهان محاکمه جنایت



وانمود کردند. موضع گیریهای سه گانه فوق هر سه قابل توجه و درخور توضیح و تأمل است که ایجاب می کند کمی باید باز گردیده و دید که هر سه دیدگاه از چه جایگاه هایی برخوردارند در حقیقت امر چه می خواهند.

اول - کسانی که در طی سال های فاجعه و جنایات، مصیبت ها دیده و رنج ها بردند و قربانی ها داده اند و هم اکنون می بینند که جنایت کاران از محابس رها گردیده و یا در چوکی های قدرت تکیه زده اند و دوباره بر آنها حکومت می کنند، سخت ناراحت بوده و از هر حرکت و یا سخنی که گوشه ای از در دل آنها باز تاب دهند و مرهمی را برای رنج و الم آنها مطرح نمایند به استقبال آن پرداخته و خواهان اجرای عدالت می شوند و آن روز را جداً انتظار می کشند.

از آمار ارائه شده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان کاملاً پیداست که هفتاد درصد از مردم افغانستان مصیبت دیده و در طی سالها رنج کشیده اند بنام همین طیف وسیع از مردم شدیداً خواهان اجرای عدالت در افغانستان می باشند و از به محاکمه کشیده شدن جنایت کاران ضد بشری و مجرمین جنگی کاملاً استقبال می کنند.

دوم - کسانی که راه عفو و بخشش را زمزمه می کنند آن طیف از کسانی است که خو شاید در جنایت مستقیم دست نداشته اند ولی یکنوع همسویی و جانبداری با جنایت کاران داشته و عملکرد آنان برای شان مشروعیت غیر شرعی داشته است. مثل بعضی نهادهای سیاسی و اجتماعی و یا افرادی که بعد از سه روز قتل عام مزار شریف با صدور اطلاعیه آنها را قانونی خوانده و بر

جنایات شان صحنه گذاشته اند. این طیف مردم که تعداد شان در جامعه کم هم نیستند راه عفو و گذشت را به بهانه های واهی شرایط نامساعد، برای فرار از عدالت پیش کش می کنند و یک نوع همکاری شان را با جنایت کاران جنگی و نقض کنندگان حقوق بشر تبارز می دهند.

سوم - کسانی که از همه بیشتر و بلکه پی در پی مورد هجوم بی عدالتی و ستم قرار گرفته اند و قربانی فجایع و اعمال ضد کرامت انسانی شده اند، می باشند و این گروهی از قربانیان توقع داشتند که از همان آغاز توافقنامه ی بن باید عدالت به داد آنها رسیده و بر زخم های آنان مرهم گذاشته می شد ولی بر خلاف توقع و انتظارشان دیدند که نظام حاکم و جامعه جهانی نیز بگونه ای بسیار مرموزانه از موضوع شان خالی کرده و فقط با علم کردن آنان حضور خویش را توجیه می کنند بنام این گروهی از قربانیان در افغانستان سخت مأیوس شده اند و هرگاه مسئله محاکمه ی جنایت کاران به میان می آید، آنان چنین تلقی می کنند که باز هم شگردی از بازی سیاسی در کار است از همین جهت و دیدگاه مطرح شدن محاکمه جنایت کاران جنگی و مجرمین ضد بشری را یک بازیچه ی سیاسی می دانند که حاکمیت در آستانه ی انتخابات پارلمان به صورت یک وسیله ی سیاسی از آن می خواهند استفاده کنند.

بنام موضوع مطرح شدن محاکمه جنایت کاران جنگی را باید بی باوری نگرسته و می گویند که حاکمیت هرگز نمی خواهد که آفتاب عدالت در این سرزمین طلوع نموده و بدرخشد. چونکه

در دوران انتخابات ریاست جمهوری نیز وعده هایی به مردم داده شده بود که کابینه ی دولت در آینده یک کابینه ی قابل قبول برای مردم افغانستان بوده و دست هایی که به خون مردم آلوده شده اند، در آن راه نخواهد داشت که اینک همه می دانند که آن وعده ها، درست از آب در نیامد. به همین لحاظ مطرح شدن محکمه ی جنایت کاران و استقبال آقای کرزی رئیس جمهور از آن، از دیدگاه عده ای از این تشنگان عدالت یک بازیچه ی سیاسی است که دوباره در آستانه ی انتخابات پارلمانی مطرح شده است.

به هر حال قضیه از هر جایی که آب می خورد و هر نظری که راجع به آن ارائه می شود ولی مجمع متخصصین ... با این باورند که بدون عدالت، صلح پایدار همچون سراب است و این گمان را در اذهان تداعی می کنند که روزی نتایج ناگوار آن دوباره جامعه را به فجایع خواهد کشید. پس چه بهتر خواهد بود که کوشش شود تا آفتاب عدالت در مطلع الشمس بدرخشد و جنایت کاران به کیفر شان برسند زیرا آنانی که قربانی شده اند، می دانند که عفو، پاشیدن نمک بر زخم های آنان است و نه راه صلح و ثبات و عدالت.

مجمع متخصصین افغانی طرفدار

حقوق اقلیتها



سمینار ملی پیرامون بین المللی حزایبی محکمه

تدوین: ج. علی اوحدی

معین وزارت عدلیه بود در میزگرد نیز اشتراک داشت و او در بیانیه اش، بعد از تلاوت آیاتی از قرآن، از جمله گفت:

در میز مدور که دیروز برگزار شده بود عده ای از شما اشتراک نداشتید ولی کسانی که اشتراک نموده بودند اظهار کردند که حالا افغانستان عضو کنوانسیون یا مقررات

قانون جزایی افغانستان به اظهار نظرات و راه های حل آن پرداختند. و سمینار با تلاوت آیاتی از قرآن کریم توسط سید مسعود آغاز گردید. که اینک ما بر نکات برجسته و مهم سخنان اشتراک کنندگان پرداخته و بیانات آنان را به علاقه مندان و خوانندگان «قربانیان و عدالت» ارائه می کنیم.

بیانیه آقای هاشمی

پیوستن به محکمه ی جزایی بین المللی

از جمله اشتراک کنندگان سمینار آقای داکتر محمد قاسم هاشمی

مجمع متخصصین افغانستانی

راجع به تطبیق محکمه جزایی بین المللی به قوانین جزایی افغانستان میزگردی را به تاریخ ۲۱/۱۲/۲۰۰۴ دایر نموده بود که به تعقیب آن بلافاصله به تاریخ ۲۲ و ۲۳/۱۲/۲۰۰۴ سمیناری را در همین رابطه در مهمان خانه ی صلح برگزار کرد. شخصیت های حقوقی داخلی و خارجی همان طوریکه در میزگرد اشتراک نموده بودند در سمینار نیز سهم فعال گرفتند و در تطبیق محکمه ی یادشده و گنجاندن آن در



آقای هاشمی

که قوانین خود را مطابق آن عیار سازد تا بتوانیم مجرمین جنگی را به آنها تسلیم دهیم ...
 آقای هاشمزی در ادامه سخنانش به موضوعی که در میزگرد مطرح شده بود گفت:

کسانی که گفتند ما مشکل قانون اساسی داریم و در قانون اساسی ما گفته شده است، در افغانستان هیچ کس را به مملکت دیگری تسلیم نمی‌کند، مگر به موجب معاهدات بین‌المللی، یک ماده قانون اساسی معاهدات بین‌المللی است و قتیکه ما معاهده‌ی خود را همراه ICC نمودیم و الحاق خود را به آن اعلام نمودیم می‌توانیم که یک مجرم جنگی را به آن تسلیم دهیم همین می‌تواند کل مشکل مقررات ما را حل کند بناً ما مشکلات قانونی در این موضوع نداریم. و می‌توانیم که قوانین خود را با آن عیار بسازیم.



گوشه‌ای از سمینار

انجام داده نتوانستیم. بناً خوب ملت بصورت عموم از این نوع مسایل و محکمه ترس داشتند. این نوع حوادث در ممالک دیگر مثل بوسنیا نیز صورت گرفته است.

آقای هاشمزی در گفتارش افزود: جهانیان به این نتیجه رسیدند که باید یک محکمه‌ای را بوجود آوریم که مردم ترس نداشته باشند یعنی در حقیقت ترس مردم را کم کنیم. به همین خاطر بعد از مباحث و مذاکرات

در روم، محکمه جزایی بین‌المللی ICC بوجود آمد و محکمه که مقر آن در کشور هالند در شهر هاک می‌باشد، افغانستان، در سال ۲۰۰۳ پیوستن خود را به آن اعلان کرد و به اساس آن مقررات افغانستان مکلف است

روم شده و محکمه جزایی بین‌المللی را به امضاء رسانیده است که من آنرا بعد از این بنام ICC می‌خوانم.

او علاوه کرد:

مردم از این ترس داشتند که به یک باری یک دولت بصورت کودتا و یا شکل دیگری آمده و دولت را می‌گیرد و مردم را قتل عام می‌کند و آنها را زجر می‌دهند و به تعقیب آن مملکت را ترک گفته و هیچ کس نیست که آنها را تعقیب کند. در مملکت ما این قسم جریانات به نهایت زیاد واقع شده است و ما در مقابل آن هیچ کاری را انجام داده نتوانستیم تلفات زیاد را دیدیم و تعداد زیادی از مردم تلف شدند و خانه‌هایشان ویران گردید و کسانی که مقصر و مسئول جنایات و جرم بودن یک تعدادشان مملکت را ترک نمودند و تعداد دیگر شان در کشور باقی مانده‌اند. ولی ما هیچ کاری را



مشکل محاکمه مجرمین

یکی از اشتراک کنندگان سمینار آقای داکتر شمس از انستیتوت دیپلماسی وزارت امور خارجه افغانستان بود که به صحبت پرداخت و از جمله گفت:

... چیزی که مهم است اینست که یک تعداد مجرمین جنگی، در کشورهای دیگری پناه برده‌اند و با تغییر نام و غیره در آنجا از تمام مصئونیت‌ها برخوردارند. اگر افغانستان ثابت کند که اینها از جمله مجرمین جنگی بوده‌اند باز هم ما نمی‌توانیم کاری را انجام بدهیم ولو اینکه محکمه بین‌المللی با ما باشند و این یک مشکل است که در پیش

پای ما وجود دارد.

نکته‌ای دیگر اینکه مجرمین طبق قانون بعضی ممالک مثل فرانسه، باید اعدام نگردهد، بلکه در مقابل باید جزا داده شوند مثل قید عمری. در محکمه افغانستان شدیدترین جرم، جرم تجاوز است مخصوصاً تجاوز علیه اطفال، وقتی که ما و شما خود شاهد چنین اعمال باشیم بینیم که این چنین اعمال صورت گرفته است و ماهم کاری انجام داده نتوانیم و هم نتوانیم که از ICC تقاضای محاکمه نمائیم که آنها را محاکمه کن پس ما باید اینجا برای حل این مشکل خود، راه حلی پیدا کنیم که تا ما بتوانیم به چنین مشکلات رسیدگی کنیم.

محکمه می‌تواند که به

جرایم گذشته نیز

رسیدگی کند

سپس آقای از ستره محکمه وارد صحبت شده یادآور شد:

محکمه‌ی که تشکیل شده است صلاحیت به محاکمه کشانیدن مجرمین جنگی را دارد ولی در افغانستان جرایم جنگی قبل از تشکیل محکمه بوجود آمده است از طرف دیگر افغانستان در سال ۱۳۸۱ الحاق خود را به محکمه اعلان داشته و از طرفی هم این محکمه جرایمی را که قبل از تشکیل محکمه صورت گرفته است آنرا تحت پی‌گرد قرار نمی‌دهد. من به این نظریه هستم که جرم هر وقت جرم است. محکمه که تشکیل شده برای رسیدگی همان جرم تشکیل شده است ما این قسم فکر می‌کنیم که محکمه در سال ۱۹۹۸ تشکیل گردیده است همین جرم جنگی را مورد رسیدگی قرار می‌دهد بلکه به محکمه باید جرایمی مورد رسیدگی قرار گیرد ولو اینکه در گذشته صورت گرفته باشد. ولی برای جامعه جهانی یک محکمه جهانی تشکیل گردیده است و در اساسنامه‌ی آن آمده است که همین محکمه برای جرایم مملکتی رسیدگی می‌کند که بر آن



نمایی از سمینار

من امروز می‌خواهم که راجع به یک سلسله‌ی مسایل حقوقی پرداخته و مختصر صحبت کنم: و او افزود:

«... قاعده‌ای که هیچ بیگناهی نباید مجازات شود و هیچ گناه کاری نباید از مجازات برکنار بماند به خاطر این است که اگر ما یک بیگناه را جزا دهیم البته این به مفهوم آن خواهد بود که ما نقض حقوق آزادی برای اتباع را کرده‌ایم. و هیچ گناه کاری به این خاطر از مجازات برکنار نماند که ما شاید یک سلسله مشروعیت‌هایی را به شخص مجرم و ظالم بخشیده باشیم. و به این قسم ما شاید نقض حقوق بشر را کرده باشیم به همین خاطر مجرمین نباید از جزا دادن به امان بمانند.»

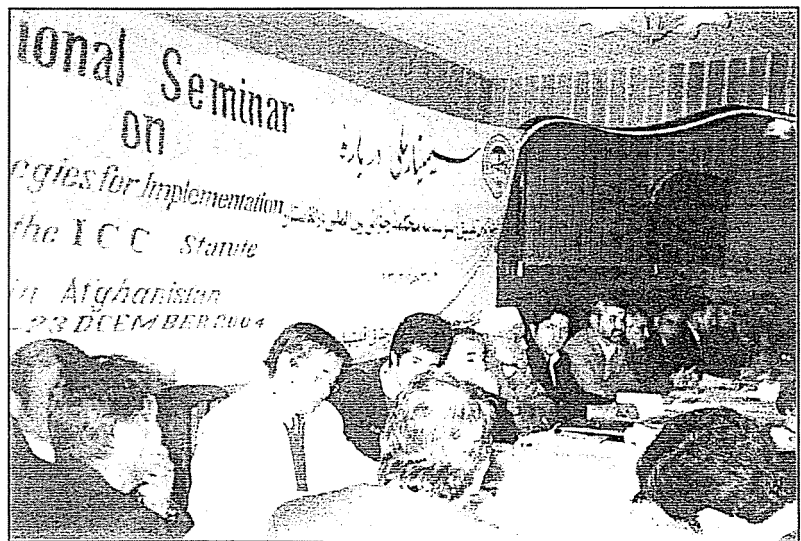
ما در اینجا به یک اصل حقوقی که قاعده‌ی عطف بماسبق است اشاره می‌کنیم. ما از لحاظ قواعد حقوقی قاعده داریم که قانون بمقابل رجعت نمی‌کند. یعنی ما نمی‌توانیم اشخاصی را که قبل از تصویب قانون مرتکب جنایت شده‌اند محاکمه کنیم عقیده‌ی من این است که ما صرف عضویت یک محکمه را پذیرفته‌ایم و می‌شود که افغانستان از نظر قانونی قابلیت واریسی چنین جرایم را نداشته باشند و ما می‌توانیم که این چنین جرایم را به عهده محکمه جزایی بین‌المللی بگذاریم.

او علاوه کرده گفت:

اساسنامه‌ی محکمه‌ی جنایی بین‌المللی ICC استفاده شده و مواد آن به شکل روشن در قانون جزایی ما گنجانیده شود که ما بتوانیم مجرمین را مجازات کنیم که تا دیگر چنین جرایم و جنایات در ذهن‌شان تراوش نکند. نظر ما همین است که اصول محکمه جزایی بین‌المللی در قوانین جزایی ما نیز گنجانیده شود.

پیوسته‌اند و مامی‌دانیم که پیوستن ما در سال ۱۳۸۱ صورت گرفته است اما جرایم در کشور ما قبل از سال ۱۳۸۱ به وقوع پیوسته است در این مورد نظر من اینست این محکمه جزایی بین‌المللی ICC می‌تواند که همان جرایمی را که قبل از پیوستن کشور ما به محکمه صورت گرفته‌است نیز مورد رسیدگی قرار دهد.

موضوع دیگر اینکه ما فعلاً در جریان ساختار پروژه‌های متممی



نمایی از سمینار

بیانیه‌ی الحاج آقای کلیم‌الله ملگری مرستیال تمقیب قضایی هارنوالی

یکی از اشتراک‌کنندگان سمینار آقای کلیم‌الله ملگری بود که از جمله در سمینار یادآور شده و در بیانیه‌اش چنین گفت:

قانون صلاحیت‌های محاکم خود هستیم و در قانون اساسی، مشکل در مورد رسیدگی با این جرایم وجود ندارد و می‌شود که در تشکیل قانون محاکم که هنوز زیر کار است هم گنجانیده شود که تا ما برای مردم خود خدمت کرده و حقوق مردم را بدست آورده بتوانیم. می‌شود که از

من امروز می‌خواهم که راجع به یک سلسله‌ی مسایل حقوقی پرداخته و مختصر صحبت کنم؛ و او افزود:

«... قاعده‌ای که هیچ بیگناهی نباید مجازات شود و هیچ گناه کاری نباید از مجازات برکنار بماند به خاطر این است که اگر ما یک بیگناه را جزا دهیم البته این به مفهوم آن خواهد بود که ما نقض حقوق آزادی برای اتباع را کرده‌ایم. و هیچ گناه کاری به این خاطر از مجازات برکنار نماند که ما شاید یک سلسله مشروعیت‌هایی را به شخص مجرم و ظالم بخشیده باشیم. و به این قسم ما شاید نقض حقوق بشر را کرده باشیم به همین خاطر مجرمین نباید از جزا دادن به امان بمانند.»

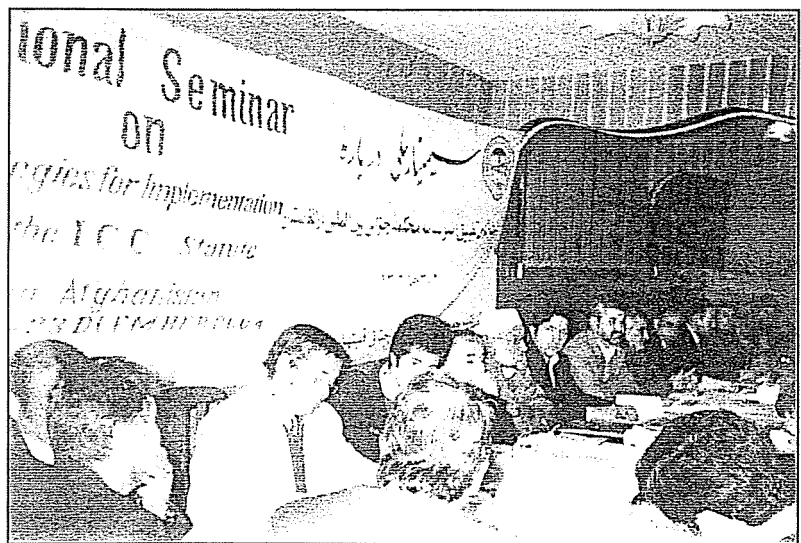
ما در اینجا به یک اصل حقوقی که قاعده‌ی عطف بماسبق است اشاره می‌کنیم. ما از لحاظ قواعد حقوقی قاعده داریم که قانون بمقابل رجعت نمی‌کند. یعنی ما نمی‌توانیم اشخاصی را که قبل از تصویب قانون مرتکب جنایت شده‌اند محاکمه کنیم عقیده‌ی من این است که ما صرف عضویت یک محکمه را پذیرفته‌ایم و می‌شود که افغانستان از نظر قانونی قابلیت واریسی چنین جرایم را نداشته باشند و ما می‌توانیم که این چنین جرایم را به عهده محکمه جزایی بین‌المللی بگذاریم.

او علاوه کرده گفت:

اساسنامه‌ی محکمه‌ی جنایی بین‌المللی ICC استفاده شده و مواد آن به شکل روشن در قانون جزایی ما گنجانیده شود که ما بتوانیم مجرمین را مجازات کنیم که تا دیگر چنین جرایم و جنایات در ذهن‌شان تراوش نکند. نظر ما همین است که اصول محکمه جزایی بین‌المللی در قوانین جزایی ما نیز گنجانیده شود.

پیوسته‌اند و مامی‌دانیم که پیوستن ما در سال ۱۳۸۱ صورت گرفته است اما جرایم در کشور ما قبل از سال ۱۳۸۱ به وقوع پیوسته است در این مورد نظر من اینست این محکمه جزایی بین‌المللی ICC می‌تواند که همان جرایمی را که قبل از پیوستن کشور ما به محکمه صورت گرفته‌است نیز مورد رسیدگی قرار دهد.

موضوع دیگر اینکه ما فعلاً در جریان ساختار پروژه‌های متممی



نمایی از سمینار

بیانیه‌ی الحاج آقای کلیم‌الله ملگری مرستیال تعقیب قضایی حارنوالی

یکی از اشتراک‌کنندگان سمینار آقای کلیم‌الله ملگری بود که از جمله در سمینار یادآور شده و در بیانیه‌اش چنین گفت:

قانون صلاحیت‌های محاکم خود هستیم و در قانون اساسی، مشکل در مورد رسیدگی با این جرایم وجود ندارد و می‌شود که در تشکیل قانون محاکم که هنوز زیر کار است هم گنجانیده شود که تا ما برای مردم خود خدمت کرده و حقوق مردم را بدست آورده بتوانیم. می‌شود که از

بحث دیگر من در رابطه محکمه جزایی بین‌المللی این است که مردم افغانستان اطلاعات کافی از موضوع ندارند بهتر خواهد بود که «پامر» و یا محکمه‌ی جزایی بین‌المللی یک سلسله تبلیغات و نشرات را به ارتباط این محکمه براه اندازند و این کار دو اثر را خواهد داشت:

۱- اشخاصی که مرتکب جرایم شده‌اند و می‌شوند، آنها به این عقیده می‌افتند که ما محاکمه خواهیم شد.

۲- مردم از طریق رسانه‌های اطلاعاتی جمعی آگاهی حاصل کرده با این محکمه همکاری خواهد کرد.

بنابراین ایجاب می‌کند که از طریق وزارت اطلاعات و فرهنگ و ارگانهای حراست از حقوق و قانون، تبلیغات مؤثری به ارتباط این محکمه جزایی بین‌المللی براه انداخته شود تا مردم از آن آگاهی پیدا کنند.



بیانیه آقای ضیاء لنگری

در تداوم مباحث سمینار، آقای احمد ضیا لنگری از کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان سهم گرفته چنین بیان داشت: طوری که

دیروز در میزگرد صحبت شد و موضوع صحبت‌ها همین بود که افغانستان به محکمه‌ی جزایی بین‌المللی پیوسته است که یک اقدام خوب مطابق به عصر و زمان است.

افغانستان محکمه را تصویب و امضاء کرده است باید پشت بانی کرد و این یک اقدام نیک برای آینده‌ی افغانستان است زیرا دولت افغانستان می‌تواند مجرمین همان چهار جرم یادشده در اصول محکمه‌ی جزایی بین‌المللی را به ICC محول سازد. به نظر ما این اساسنامه کدام تضاد با قوانین داخلی ما ندارد و حتی مطابقت هم می‌کند و از نظر قوانین مذهبی ما هیچ مشکلی نداریم بنا بر بحث‌های گذشته این چهار جرم از دیدگاه قوانین اسلامی باید مرتکبین به اشدترین جزاء، یعنی اعدام محکوم گردد از این لحاظ تشویش نداریم تنها قوه‌ی قضایی و عدلی ما شاید کمی فرق داشته باشند که در آینده آن هم حل خواهد شد و مطابق معیارهای بین‌المللی رشد خواهد کرد



و این در حقیقت یک ضرورت اجتماعی ماست که باید مردم افغانستان با در نظر داشت زجر و آزاری که کشیده‌اند و قربانی تعدی و ستم شده‌اند باید دسترسی به چنین محکمه‌ای را داشته باشند.

او در تداوم سخنانش گفت:

افغانستان در سالهای گذشته و به دوران اقتدار خلقی‌ها رنجهای فراوان را کشیده، هزاران نفر هر زور ناپدید می‌شدند و تا به امروز فامیلین آنها انتظار آنها را می‌کشند و مادران‌شان چشم براه‌اند و از حیات و ممات آنها خبری نیست و هزاران نفر دیگر به قتل رسیده‌اند و چندین میلیون نفر آواره و معیوب شده‌اند که زندگی خود را با مشکل به پیش می‌برند در دوران حکومت کمونیست‌ها در افغانستان حکم کشتار و تلفات زیاد صورت گرفته است و در زمان مجاهدین نیز چنین اعمال تکرار شده و اعمال ضد بشری بعمل آمده است ما دیدیم که چگونه کسانی بنام مجاهد راکت‌ها را به کابل فیر می‌کردند و هزاران نفر را می‌کشتند راکتی که در استادگاه سرگ خیرخانه در ده افغان اصابت کرد چندین نفر را به شهادت رسانید. و راکتی که در سه راهی علاءالدین آمد به یک ملی بس اصابت کرد که حداقل در آن هشتاد نفر بودند که به شهادت رسیدند. راکتی که به فاکولته

معیارهای بین‌المللی مجرمین افغانی را در کشور افغانستان به محاکمه بکشد و نیاز به این نیست که ما مجرمین را به ICC بسپاریم. راجع به شامل کردن مواد اصولنامه‌ی روم در قانون جزایی افغانستان آقای لنگری افزود:

یک گروه مخصوص از حقوقدانان باید روی آن کار کند و کمیسیون حقوق بشر نیز در آن نقش داشته باشد. این گروه باید با حوصله‌مندی درازمدت کار کند و به نتیجه‌ای برسند و بعد به تصویب پارلمان هم برسانند و ستره محکمه هم باید در آن نقش داشته باشد و هیچ جای شکایت در آینده باقی نماند و کمیسیون حقوق بشر به حیث یک نهاد کمک کننده نقش خود را داشته باشد ولی خود قانون گزار نیست و به این پروسه کاملاً همکار کند.



بیانیه‌ی آقای مایکل سبیل نماینده‌ی اتحادیه‌ی

اروپا

یکی از اشتراک کنندگان سمینار آقای مایکل سیمپل نماینده‌ی جامعه‌ی اروپا بود که به زبان دری بیانیه‌ای را ایراد کرده گفت: این یک حقیقت است که در مدت ۲۵ سال جنگ، جنایات جنگی بسیار صورت گرفته است. بد بختانه

گرفت که ما شاهد بودیم و رقتم قبرهای دسته جمعی شان را مشاهده کردیم. متأسفانه تا کنون هیچکس جنایت کاران را به دست قانون نسپرده‌اند و یا نتوانستند چونکه آنها از طرف مافیای مواد مخدر و کشورهای همسایه هنوز هم حمایت می‌شوند. ما نتوانستیم که آنها را محاکمه کنیم باز هم می‌بینیم که آنها بیشتر از ما ادعا می‌کنند به این فکر هستند که حق آنها هنوز بر ما باقی مانده است... . آقای ضیاء لنگری راجع به محکمه جزایی بین‌المللی افزوده گفت:

در محکمه از آن لحاظ که آغاز آنست تا به هنوز خلأهایی وجود دارد. که بعد از هفت سال قابل رفع است. خلأهایی که در محکمه‌ی جزایی بین‌المللی وجود دارد از جمله آنست که تعاریفات درست و دقیق از تجاوز و قاچاق انسان که غم انگیزترین موضوع برای مردم است و تروریسم به عمل نیامده است. بناءً دولت افغانستان می‌تواند که با در نظرداشت



در دوران حکومت

گمونیست‌ها در

افغانستان حکم کشتار و

تلفات زیاد صورت گرفته

است و در زمان

مجاهدین نیز چنین

اعمال تکرار شده و

اعمال ضد بشری بعمل

آمده است

زراعت خورد چندین نفر از استادان با تجربه را با شاگردانشان به شهادت رسانیدند و قتیکه مجاهدین به قدرت رسیدند با چهل میله‌ها به مردم فیر می‌کردند و مردم را قتل عام می‌کردند از چهارآسیاب غرب کابل، یغمان، کوهی صافی بر مردم فیر می‌شد. و قتیکه طالبان به قدرت رسید ما شاهد دلخراش‌ترین از این نوع جنایات بودیم که هرگز فراموش نخواهیم کرد. قتل‌های دسته جمعی که بنام جنایات ضد بشری تعریف شده است، قتل عام که در قریه‌ی قزل‌آباد مزار شریف و خود مزار شریف در قریه جنگل در اولسوالی شلگر صورت گرفت و همچنین در چمتال، بامیان و یکاولنگ صورت

می‌کند.

آقای مایکل سمپل در ادامه‌ی سخنانش راجع به موقف جامعه‌ی اروپا در باره‌ی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی گفت:

به همه معلوم است که اتحادیه‌ی اروپا رسماً پروسه‌ی ICC را تأیید می‌کند و در آغاز کار اتحادیه اروپا تب و تلاش داشت که تا به همکاری کشورهای دیگر به شمول افغانستان محکمه‌ای تاسیس گردد و این کامیابی صورت گرفت و هم اکنون ما تلاش می‌کنیم که به راستی این محکمه جهانی شود و کشورهای دیگر نیز به عضویت آن



آقای مایکل سمپل

از هر طرف قضیه چنین حوادث صورت گرفته است هم در زمان خلقیه‌ها هم در زمان استاد ربانی و هم در زمان امارت اسلامی طالبان در او علاوه کرد: در افغانستان در مدت ۲۵ سال یک نوع لا قانونیت حاکم بود جنایات کاران در فکر این نبودند که یک روز حساب و کتاب

وقتیکه طالبان

به قدرت رسید ما شاهد دلخراش‌ترین از این نوع جنایات بودیم که هرگز فراموش نخواهیم کرد

درآیند و پروسه قانون ICC در جهان نیز نافذ گردد ولی این هم لازم است که ICC باید مؤثر ثابت شود. این موضوع هم در برنامه کاری اتحادیه‌ی اروپا شامل است همچنان که آقای جان از نیوزلند صحبت کرد این هم در نظریات جامعه اروپا و یک موقف سر تا سری است. ما خواهان آن هستیم که هر کشور که عضویت

هم خواهیم داد و این لازم است که ما و شما این خلای قانونی را در سطح جهانی پرکنیم که در آینده هم افغانستان و هم در کشورهای دیگر هر کس که در جریان جنگ و یا در غیر آن داخل صحنه‌ی جنایی می‌شوند بفهمند که اگر زنده ماندیم حساب و کتاب خواهیم داد محکمه‌ی جزایی جهانی این مشکل را حل

هر دو طرف قضیه جنایات جنگی ثابت شده است. در باره‌ی گذشته باید یک حساب و کتاب صورت بگیرد و همچنان ما خواهان این هستیم که جلو این جنایات در آینده گرفته شود. برای جلوگیری از این جنایات در آینده همین پروسه‌ی عمده که در سطح جهانی جریان دارد، عبارت از ICC می‌باشد.

فرصت شاهدهی دادن داده می‌شود. نتیجه آن را هنوز گفته نمی‌توانیم به خاطر اینکه محاکمه‌ی اول تا هنوز به نتیجه نرسیده است، در ماه جون دوباره پروسه‌ی محاکمه آغاز می‌گردد و به یک نتیجه‌ی نهایی می‌رسد. در محکمه به هر دو طرف قضیه، فرصت دفاع داده می‌شود و به کسانی که ضربه وارد شده است اگر جرئت دارند می‌توانند دعوا کنند و همین محکمه می‌تواند ثابت کند که محکمه‌ی جزایی بین‌المللی بسیار با اهمیت است.

آقای مایکل سمپل همچنان افزود که:

«... نظام قضائیه افغانستان صلاحیت کافی دارد که در آینده جنایتکاران افغانستان را به محکمه بکشاند و اگر چنین عمل در افغانستان به لحاظی صورت گرفته نتواند در آن صورت می‌تواند که به کمک ICC آن را عملی نماید فعلاً به محکمه کشانیدن جنایت کاران در محکمه انگلستان و یا نیوزلند یک کار تصادفی بود اما این بار کار ICC یک کار قانونی و سیستماتیک است که بالاخره در آینده همان کسانی که داخل صحنه جنگ بودند که اگر اندک‌ترین اشتباه کردند و یا کار غیر قانونی نمودند تخت پیگرد قانون افغانستان و اگر هم نشد تحت پیگرد قانون ICC قرار خواهد گرفت...»

دولت افغانستان می‌تواند که با در نظر داشت معیارهای بین‌المللی مجرمین افغانی را در کشور افغانستان به محاکمه بکشد و نیاز به این نیست که ما مجرمین را به ICC بسپاریم

به محاکمه کشیده شد و خوبی این قضیه اینست که مثل عبدالله شاه در سطح بین‌المللی روی آن تبصره‌های منفی نشد و ما اطمینان داده می‌توانیم که قاضی از شروع تا آخر به او فرصت داد که جواب بدهد. هر افغانستانی که حاضر بود شهادت بدهد به آنها فرصت دادند که از طریق تلویزیون در کابل و همچنان در پاکستان و انگلستان شهادت بدهند از آن این تجربه پیش آمد که مردم هنوز می‌ترسند کسی هنوز حاضر نیست که شهادت بدهند و اکثر مردم زیر تأثیر قرار گرفته‌اند آمادگی ندارند ولی باز هم برای آنها

بگیرد از طرفی باید سیستم عدلی خود را به آن عیار بسازد گرچه پروسه قانون سازی کار ساده نیست ولی جامعه اروپا آن را تأیید کرده‌اند و مطمئن باشید که ۲۵ کشور اروپایی در خدمت ICC در آمده‌اند و خواهان مؤثر ساختن عضویت افغانستان در ICC هستند.

آقای مایکل راجع به محاکمه کردن جنایت کاران جنگی گفت: «... این طور هم نیست که ما راجع به محاکمه کردن مجرمین جنگی تجربه نداشته باشیم در افغانستان هم این طور نیست در دو و نیم سال پیش بود که محاکمه عبدالله شاه هم تعیین شد. این را هم لازم می‌دانم که بگویم که تبصره‌ای به سطح بین‌المللی شروع شد که محاکمه‌ی عبدالله شاه و پروسه محاکمه مطابق به معیار بین‌المللی نبوده است همه‌ی ما متوجه این حرف هستیم برای این که یک نقص حقوق بشر بسیار کلان می‌باشد اگر دایر کردن محکمه ناقص باشد اگر ما جنایت کاری را تبرئه کنیم، این نقص کلان خواهد بود و این طور باید نشود. خلاصه پروسه‌ای همین ICC در افغانستان جلو این کارها را باید بگیرد.

امسال ما توانستیم که پروسه‌ی محکمه‌ی زرداد را مشاهده کنیم همین زرداد شناخته شده در انگلستان



آقای داکتر ذکریا (نفر سمت چپ)

داشته باشند حالا وقتی که دولت عضویت ICC را در سال ۱۳۸۱ قبول کرد ما قوانین خود را چطور عیار می‌سازیم که دولت ما و یا ممثل دولت ما حاکمیت ملی ما را محفوظ داشته و اصولنامه‌ی روم را هم تصویب کرده است.

مسئله دوم مسئله شرایط محکمه است، چه وقت محکمه جرایم بین‌المللی می‌تواند که یک مجرم را در افغانستان تعقیب کند و اگر ما این را قایل شویم که ICC در خود افغانستان دایر شود این مربوط صلاحیت محاکم می‌شود که در کدام شرایط محکمه جزایی بین‌المللی می‌تواند داخل عمل گردد و آنچه که از طرف محکمه جزایی بین‌المللی تعیین شده این است که محکمه جزایی بین‌المللی بالای محکمه ملی چه اثر خواهد داشت محکمه ملی همیشه اختیار دارد تا به قضایای

وقتیکه امان‌الله خان استقلال کشور را اعلام کرد هیئتی را تعیین کرد که تا رفته با دولت شوروی داخل مذاکره شود تا که ثبوت کند که ما، من بعد معاهده‌ی گندمک را قبول نداریم. همین طوری در قسمت قوانین هر کشور، قوانین خود را دارد. قبول کردن و یا اجازه دادن به قوانین دیگر یک مشکل مداخله است اگر یک کشوری امروز بیايد بر محاکم ما مداخله کند ما این را به حیث یک مداخله می‌دانیم و به حیث یک محدودیت بر حاکمیت ملی خود می‌دانیم. پس مشکلی که ایجاد می‌کند شامل شدن به معاهدات و قبول کردن قوانین آن می‌باشد حالا ما چطور قبول کنیم که یک نوع مداخله نباشد و از طرف دیگر اعضاء قضائیه ما فرمودند «استقلال قضاء است» که باید قاضی‌ها استقلال

در اخیر، آقای مایکل سمپل از بر گزار کنندگان سمینار اظهار خوشنودی نموده و گفت: این جای بسیار خوشی است که با تب و تلاش‌های شما شاید لاقانونیت در افغانستان خاتمه پیدا کند.



سخنان آقای داکتر ذکریا استقلال و حاکمیت ملی

به تعقیب آقای مایکل، آقای داکتر ذکریا، مدیر شعبه‌ی پنجم سیاسی وزارت امور خارجه وارد صحبت شده گفت:

برای اینکه صحبت‌های ما داخل یک چوکات بیاید، سخنانم را از این‌جا شروع می‌کنم:

یکی از مهم‌ترین اصل، اصل حاکمیت ملی است که حاکمیت و استقلال یک کشور در عدم مداخله‌ی قدرت‌های خارجی و مؤسسات بین‌المللی است که باید رعایت کنند یکی از چیزهایی که در دول جهان مانع استقلال می‌شود، شامل شدن در معاهدات و کنوانسیون‌ها می‌باشد و قوانین که در آن طرح شده است استقلال و حاکمیت شان را مخدوش می‌کند بطور مثال مبدأ استقلال کشور خود را از سال ۱۹۱۹ می‌گیریم چرا که در معاهده‌ی گندمک سیاست خارجی افغانستان منوط به بریتانیا بود



شرکت کنندگان سمینار

را مورد بررسی قرارداد و حل کنند من فکر می‌کنم که از دایر شدن چنین مجالس استفاده عظیمی صورت گیرد و تلویزیون این مباحث را منعکس سازد و در میزهای مدور، حقوقدانان و ماهران قضایی با نمایندگان ICC گفتگو کنند تا که همه آگاه شوند.



سوفا ت برای آینده

به تعقیب سخنان داکتر ذکریا یکی از شرکت کنندگان (آقای اسدی) ابراز نظر نموده من جمله یاد آور شده گفت:

من سخنانم را به گفتار جلالت مثاب، کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد شروع می‌کنم که وی در ۱۸ جولای ۱۹۹۸ وقتی که اصولنامه‌ی روم را امضاء می‌کرد، گفته است:

آیا محکمه‌ی بین‌المللی حق این را دارد که مجرمین را در افغانستان تعقیب کند در کشور ما تحقیق و تعقیب از صلاحیت حارنوالی است ما چه می‌دانیم که نماینده‌ی بین‌المللی با حارنوالی ما همکاری می‌کنند یا همان اشخاص را که مرتکب جرم‌های ضد بشری و قتل عام شده‌اند می‌توانند آنها را تعقیب کنند. آیا این مجرمین به محاکمه در خارج برده می‌شوند یا اینکه محکمه بین‌المللی در خود افغانستان دایر می‌گردد. مملکتی که عضویت ICC را قبول کرده‌اند اگر محبوسین‌شان در کشور نبوده و به کشوری دیگری باشند که خود آن کشور نیز محکمه ICC را قبول کرده‌اند، آیا می‌توانند آنها را تعقیب کند؟ به نظر من این مسایل اساسی‌اند که باید توجه اولی روی آن صورت گیرد و راه حل برای آن پیدا شود و نهادهایی در افغانستان بوجود آید که این مسایل مطرح شده.

جنایات رسیدگی نماید ولی محکمه بین‌المللی وقتی داخل عمل خواهد شد که محکمه‌ی ملی از اجراء چنین کار عاجز باشد و یا مایل به اجراء چنین کار نباشد. بطور مثال یک حکومت مایل آن نیست که اتباع خود را محاکمه نماید مخصوصاً اگر مجرم یک شخص عالی رتبه باشد و یا یک کشور سیستم قضایی‌اش بالکل از بین رفته باشد و هیچ محاکمه جهت بررسی چنین جرایم قادر و آماده نباشد خود آنها این موضوع را مطرح کنند پس محکمه‌ی جزایی بین‌المللی وارد عمل می‌شود. اگر ما به شکل امروز ببینیم این نهاد بسیار خوبی است که بوجود آمده و در مقابل مجرمین ضد بشریت دایر گردیده است. او در ادامه سخنانش گفت:

**نظام قضائیه افغانستان
صلاحیت کافی دارد که
در آینده، جنایتکاران
افغانستان را به محکمه
بکشاند و اگر چنین
عملی در افغانستان به
لحاظی صورت گرفته
نتواند، در آن صورت
آنرا می‌تواند که به
کمک ICC عملی نماید**

«تاسیس محکمه جزایی بین‌المللی برای نسل‌های آینده یک تحفه‌ی امید بخش است» انتقاداتی را که برادریم آقای داکتر ذکریا یادآور شدند لازم می‌دانم که در زمینه‌ی روشنی اندازم طبق یک اعلامیه‌ای که در نزد من موجود بود من یاد داشت‌های از آن کردم که در طول تاریخ چهارده هزار جنگی که در طول هزارسال رخ می‌دهد ۵ میلیارد انسان کشته می‌شوند و به این ترتیب وقتی جنگ‌های اول و دوم جهانی را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که در یک جنگ ۲۱ میلیون انسان کشته می‌شوند و در دیگری چهل میلیون انسان از بین می‌روند این سیاه روزی است که به

طولانی می‌خواهد انسان روی آن کار کند و ضرورت محکمه‌ی جزایی بین‌المللی را درک نماید که تاسیس آن چقدر مورد ضرورت جامعه‌ی بشری امروز می‌باشد.

محکمه بین‌المللی وقتی داخل عمل خواهد شد که محکمه‌ی ملی از اجراء چنین کار عاجز باشد

قرار گیرد. برآستی این اساسنامه‌ی خوبی است و بعضی خلأهای کوچک دارد که در این مورد روشنی انداخته می‌شود از همین خاطر این محکمه اساس‌گزاری و این محکمه‌ی بین‌المللی به وجود آمد ... همانطوری که کوفی عنان گفته است برای آینده بشر نتایج بسیار خوب دارد که ما می‌توانیم کسانی را که بالای بشریت ظلم کرده‌اند و مرتکب جنایات جنگی شده‌اند در این محکمه تسلیم کنیم ... محکمه جنایی بین‌المللی به اساس قانون روم بوجود آمد است و تمام مطالب آن روی اتفاق بین‌المللی استوار است که همه مخالف جنایات جنگی و نسل‌کشی و جنایات ضد بشریت هستند

آقای اسدی در تداوم گفتارش

گفت:

... پس ما هم به همان اساس بین‌المللی می‌توانیم که اصولنامه روم را در قانون جزایی خود تطبیق نماییم و از نگاه دین مقدس اسلام و در قرآن کریم هیچ چیزی در آن نیست که بر خلاف اسلام باشد و همان چیزیکه اسلام می‌خواهد به اساسنامه روم آمده است.



آقای اسدی علاوه کرد:

این محکمه جزایی بین‌المللی چه وقت تهداب گذاشته شده و روی چه اهداف بوجود آمد و چه مقررات دارد و در مورد آن هنوز هم عده‌ای تشویش دارند و بعضی انتقادات دارند این همه ایجاب می‌کند که روی آن بحث صورت بگیرد.

تا آنجائیکه معلوم است محکمه ... بعد از محاکمه توکیو، نورمبرگ، یوگسلاویا و رومانیای پایه‌گزاری شده و ملل متحد و دولت‌های که در آن عضویت دارند اساسنامه‌ی را اساس گذاشتند تا محکمه، محکمه باشد که تمام جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در آنجا تحت تعقیب

بطور مثال یک
حکومت مایل آن
نیست که اتباع خود
را محاکمه نماید
مخصوصاً اگر مجرم
یک شخص عالی
رتبه باشد

خاندان بشریت تحمیل می‌گردد وقتی که ما راجع به الحاق ما به محکمه جزایی بین‌المللی حرف می‌زنیم این یک تاریخ‌چهی بسیار طولانی و عمیق دارد که وقت



آقای داکتر داود نجفی رئیس ایامر؛ بعد از اینکه به شرکت کنندگان سمینار خوش آمد گفته و تشکر کرد، در رابطه با فعالیت‌های مجمع متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیت‌ها به سخن پرداخته چنین گفت:



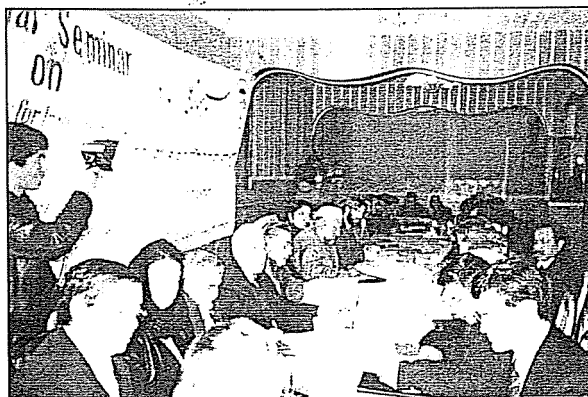
نقش

سمینار دوم به تاریخ ۳ و ۴ اگست در هتل سپنزر کابل دایر گردید. که هر دوی این سمینارها نمایندگان وزارت عدلیه، ستره محکمه، لوی حارنوالی و دیگر ارگانه‌های ذیربط دولتی موسسات حقوق بشر و استادان دانشگاه دعوت شده بودند. شرکت کنندگان هر دو سمینار از تصویب اصولنامه‌ی روم توسط دولت افغانستان استقبال نموده و تأکید داشتند که تشکیل این گونه سمینارها مفید بوده و در راه تطبیق اصولنامه‌ی این محکمه جزایی بین‌الملل با قوانین جزایی داخل افغانستان باید اقدام جدی شود. هدف از تشکیل سمینار امروز این است که در راستای تطبیق اصولنامه، محکمه‌ی جزایی بین‌المللی باید گام‌های عملی برداشته شده و کار عملی باید آغاز شود. حالا افغانستان اصولنامه‌ی روم را تصویب کرده این وظیفه دولت افغانستان است که باید قوانین داخلی خود را نیز با قوانین محکمه جزایی

مختصر به خدمت شما به عرض می‌رسانم که ایامر از سال ۲۰۰۰ میلادی در رابطه با محکمه‌ی جرایم بین‌المللی فعالیت‌هایش را آغاز کرده و تا هنوز هم ادامه داده است. مثل سمینار امروز، ایامر تا هنوز دو سمینار دیگر را نیز برگزار کرده بود که سمینار اولی دقیق دو ماه بعد از تصویب اصولنامه‌ی روم توسط دولت انتقالی افغانستان در هتل انترنشنل کابل به تاریخ ۱۲ و ۱۳ آپریل ۲۰۰۳ برگزار گردید که هدف عمده‌ی آن سمینار بیشتر معرفی محکمه‌ی

بین‌المللی جرایم برای اشتراک کنندگان بود. که با توجه به درخواست شرکت کنندگان سمینار اولی و نیاز بیشتر به معرفی و تطبیق محکمه ... به قوانین افغانستان

کار و نقش این مجمع ... در رابطه با محکمه‌ی جزایی بین‌المللی جنبه‌ی تبلیغی و ترویجی داشته و در همین راستا فعالیت می‌کند. اما تطبیق قوانین آن کار نهادهای دولتی و قضایی افغانستان است نه کار ما. اگر در داخل فایل‌های تان نگاه کنید، نقش ایامر و فعالیت‌های این مجمع برای اطلاع بیشتر شما کاملاً بیان گردیده است بناماً من نمی‌خواهم که وارد بحث و فعالیت‌های ایامر شوم و فقط بصورت



مسئله‌ی دفاع از خود است که در کدام شرایط یک کشور می‌تواند دفاع از خود نماید و از نیروی نظامی کار گیرد در سال ۲۰۰۹ وقتیکه بازنگری در محکمه جزایی صورت می‌گیرد روی این موضوعات غور خواهد شد.



جواب داکتر ضیاءالدین

در این زمینه

تعریف جرم

البته یک موضوع که آقای مایکل



هم گفت من هم آنرا تأیید می‌کنم ایشان گفتند از چند روی توافق نهایی بر تعریف جنایی صورت نگرفته است و عناصر این جرم بطور مشخص تعریف نشده است به این خاطر خود محکمه‌ی جزایی بین‌المللی زمانی بوجود آمد که تعریف مشخص و قابل قبول برای همه که وارد عمل شوند نبود و هم چنان نگرانی‌ها به این ارتباط در سطح بین‌المللی وجود دارد به خاطریکه جرم تجاوز امکان دارد که از هر نگاه جرم باشد چه در آینده و چه در حال صورت بگیرد به این خاطر نگرانی‌ها وجود دارد. برای رفع این نگرانی‌ها یک مجمع کشورهای عضو ICC تشکیل شد که روی مسئله نهایی جرم کار کنند و

و گذشته ما بر تجاوز یک تعریف مکمل پیدا نشد که اگر قرار باشد یک جرم تعریف نشود عناصر مشکله آن گفته نشود شرایط آن گفته نمی‌شود بناماً کشورهای که عضو این محکمه هستند آیا سوء استفاده نمی‌کنند؟

جواب مایکل: در محکمه

بین‌المللی جرایم جنائی تجاوز تعریف شده است ولی تعریف بین‌المللی وجود ندارد. چون بحث که در این راستا صورت گرفت آنها به کدام نتیجه‌ی

در راستای تطبیق اصولنامه،

محکمه‌ی جزایی بین‌المللی

باید کامهای عملی برداشته

شده و کار عملی باید آغاز

شود مالا افغانستان

اصولنامه‌ی (روم) را تصویب

کرده این وظیفه دولت

افغانستان است که باید

قوانین داخلی خود را نیز با

قوانین محکمه جزایی

بین‌المللی تطبیق نماید

نهائی نرسیده‌اند بناماً محکمه جرایم در این باره کدام تصمیم خاص نگرفته‌اند وقتیکه آنها به کدام تصمیم نهایی برسند آن وقت محکمه جرایم بین‌المللی می‌تواند که آن را روی دست بگیرد. یا او را تحقیق کنند و در شعباتش بحث‌هایی روی این موضوع جریان داشتند لیکن بعضی استثنائات وجود داردیکی این که در شروع بحث‌ها در باره‌ی این کدام قطع نامه‌ی صادر نشد، و تصمیم هم گرفته نشده است، دوم

بین‌المللی تطبیق نماید. ما و شما باید در این دو روز تلاش نماییم به یک مکانیزم برسیم که بتوانیم عملاً کار را روی تطبیق قوانین افغانستان با قوانین بین‌المللی آغاز نماییم که تا به یک نتیجه مثبت و قابل قبول برسیم. البته ما این را قبول می‌نماییم که این کار کوچکی نیست کار بسیار با اهمیت و بزرگی است و نیاز جدی به همکاری دولت افغانستان و موسسات ملی و بین‌المللی دارد تا بتوانیم به یک نتیجه مثبت نایل شویم.



سوء استفاده از محکمه

پرسش‌هایی راجع به تعریف

جرایم تجاوز و جواب‌ها

بدنبال سخنان آقای داکتر داود

نجفی سوالی از طرف خانم انیسه رسولی

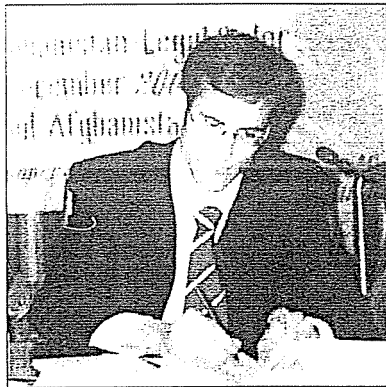
رئیس محکمه‌ی اطفال و عضو انجمن

قضات زنان افغانستان مطرح شد و نام



برده پرسید:

سوال: ما به ارتباط چهار جرمی که است، گفتیم این محکمه صلاحیت بررسی این چهار جرم را دارد که از آن جمله یکی‌شان تجاوز است. در چندین قسمت از همین نوشته‌هایی که در پیش ما است و هم چنان در بحث‌های امروز



است هم چنان که کوفی عنان رئیس ملل متحد گفته بود نگفتم این است که ICC یک امید برای نسل‌های آینده است اهداف تشکیل ICC در مقدمه سند روم تذکر داده شد است جرایمی که مورد نگرانی در سطح جهانی است باید از صلاحیت محکمه بیرون نماند و در سطح ملی و بین‌المللی مورد بازپرسی قرار بگیرد.

آقای مایکل ادامہ دادہ گفت:
مقدمه‌ی سند روم بیان می‌دارد که این مسئولیت کشورها است که باید به محاکم خود این صلاحیت را بدهد که با این جرایم برخورد بکند و هم چنان محکمه جزایی بین‌المللی، به این خاطر تشکیل شد که این مشکلات را در جهان از میان بردارد. پس از این که ما وارد سند روم شویم من می‌خواهم بگویم محکمه بین‌المللی جرایم یک تلاشهایی برای ختم فرهنگ معافیت و تطبیق عدالت در جهان است. که البته در سطح ملی و بین‌المللی راه‌ها و مکانیزم‌های دیگری هم به وجود آمد که از جمله کمیسیون حقیقت یاب را می‌توان نام برد. در سراپو و آفریقای جنوبی تشکیل یافته بود. کمیسیون حقیقت یاب زمینه را برای قربانیان جرایم مساعد می‌سازد که آنها نگرانی‌های خود را مطرح کنند و حداقل

ملل‌های مختلف در این جا جمع شده بودند و موضوع را مطرح کردند بیشتر اشتراک کنندگان گفتند که اصل مسئله دفاع از خود است بالاخره بعد از مباحث زیاد فیصله کردند که مسئله افغانستان تجاوز است اعمال ظلم و زور بر یک مملکت آزاد. تجاوز تلقی می‌شود که در منشور ملل متحد آمده است البته محکمه بین‌المللی یا کشورهای عضو به یک تعریف که نمی‌تواند برسند این موضع یک مسئله‌ی سیاسی است.

بیانیه‌ی آقای مایکل کوتیر نماینده‌ی شعبه‌ی حقوق بین‌المللی وزارت خارجه‌ی سوئیس

آقای مایکل کوتیر بعد از اینکه از برگزاری سمینار تشکر نمود، گفت:
من در سال ۱۹۹۸ در کنفرانس روم به نمایندگی از کشور سوئیس اشتراک کرده بودم و بعد از آن بطور دایم همراه کشورهای که اساسنامه روم را امضاء کرده بودند با تماس دایم بودم. فعلاً هم در شعبه حقوقی وزارت خارجه سوئیس کار می‌کنم و من می‌خواهم که یک تعریف از محکمه بین‌المللی ICC را ارائه بکنم، ICC یک محکمه‌ی دایمی چنانچه است که در سال ۱۹۹۸ توسط ۱۲۰ کشور در کنفرانس روم به وجود آمد و سند روم اساسی‌ترین سند این محکمه است که به اتفاق ۱۲۰ کشور مورد بحث بررسی قرار گرفته است چیزی را که من فراموش کردم در سخن‌های قبلی‌ام نگفتم این است که ICC در عین حان که یک محکمه بین‌المللی است یک محکمه مستقل هم

امکان دارد که به اداره بازنگری ICC تا سال ۲۰۰۹ یک تصمیم نهایی صورت بگیرد.

و بسیار جای خوشی است که امروز در افغانستان نیز روی این موضوع بحث صورت می‌گیرد دیروز هم ما همراه با مسئولین وزارت خانه‌های افغانستان بحث داشتیم و بسیار جای خوشی است که افغانستان هم در تعریف جرم تجاوز سهیم باشد. و نظرات شان در تعریف جرم تجاوز موثر باشد و هم چنان این را من خوب می‌دانم که مردم افغانستان از همه‌ی کشورهای دیگر جرم تجاوز را حس می‌کند و به این خاطر مردم افغانستان در تعریف جرم تجاوز می‌تواند سهیم فعال بگیرد.

نظر یک کارشناس افغانی (آقای داکتر ذکریا):



به منشور ملل متحد تجاوز تعریف شده است اما تعریفی که محکمه‌ی بین‌المللی جرایم می‌خواهد بکند باید باز هم توافق همه‌ی ممالک عضو را داشته باشد. ما در سال ۱۹۸۰ جلسه‌ای که از طرف سازمان ملل در استامبول راجع به افغانستان برگزار شده بود یک بحث آن جرایم تجاوز شوروی سابق بود و از



ما از دست‌آوردهایی که از کنفرانس دیپلماتیک روم در سال ۱۹۹۸ داشتیم کشورها توانستند روی جالب‌ترین ارزشها توافق نمایند و توافق کردند

جرایم شدید مثل نسل‌کشی جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی باید تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرد. کنفرانس روم به خوبی توانست که از منابع مختلف در سطح جهان نمایندگی بکند و امروز ۸۷ کشور عضویت ICC را پذیرفته‌اند و عضویت دارند مثل افغانستان و سوئیس که سند روم را در قوانین ملی خود تطبیق می‌کنند و اگر ICC به این قضایا بخواهد رسیدگی بکند تمام ۹۷ کشور باید به ICC همکاری بکنند هم چنان که گفته که سند روم یک میثاق بین‌المللی است که مکلفیت‌ها و مزایای طرز‌العمل ICC را بیان می‌دارد و هم چنان این محکمه توسط مجمع کشورهای عضو ICC رهبری می‌شود این مجمع می‌تواند از تمام کشورها به شمول افغانستان و سوئیس نمایندگی بکند در سال یک بار می‌تواند اعضای‌شان به افعال ICC رسیدگی کند. خود ICC از چند ارگان مختلف تشکیل یافته است که یکی هم ریاست ICC است و دیگری ارگان اداری محکمه است و ارگان قضا است چهارم دادستانی یا حارنوالی محکمه است مثل که هر کشوری برای تحکیم قانون از این ارگان برخوردار می‌باشد. هم چنان که قبلاً تذکر یافت ICC با

چهار نوع جرم رسیدگی می‌تواند اول نسل‌کشی است که در اساسنامه روم این طوری تعریف شده است اعمالیکه به هدف از بین بردن تمام یا یک قسمت از یک گروه نژادی صورت بگیرد نسل‌کشی به حساب می‌آید. دوم جرم علیه بشریت تعریف شده است که شامل مجموع اعمالی می‌شود که بطور سیستماتیک حقوق بشر را نقض می‌کند و شامل قتل، محرومیت از آزادیها، تجاوز جنسی و سایر جرایم که به طور سیستماتیک در یک جامعه غیر نظامی صورت گرفته باشد به حساب می‌آید.

سوم جرم همچنان که از نامش پیداست آن نوع جرمی است که در جریان جنگ یا موضوعات مسلحانه صورت می‌گیرد و به اعمالی گفته می‌شود که قوانین جنگی را که در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و مورد توافق همگان است، نقض می‌کند. این نوع جرم می‌تواند که در موضوع مسلحانه بین‌المللی یا داخلی صورت بگیرد و تحقق بیابد و این شامل حمله به جامعه‌ی غیر نظامی می‌شود و هم چنان تجاوزهای جنگی و اخراج اجباری یک جمعیت و استفاده از تسلیحات بیالوژیکی در جریان موضوعات مسلحانه می‌باشد.

چهارم این جرم تجاوز است که پیش از ظهر هم مطرح شد که هنوز تعریف قابل قبول از آن به وجود نیامده

در تأمین شفافیت و حساب‌دهی کمک بکنند. و این هم بیشتر بخاطر این است که شاید محاکم ملی نتواند به کل جرایم رسیدگی بکند البته در کشور روندا بیشتر از ۱۰۰ هزار مجرم وجود داشتند که رسیدگی به این مقدار جرایم در محاکم ملی مشکل می‌باشد. بناها امکان دارد که موضوع پیگیری جنایی توسط محاکم بین‌المللی هم صورت بگیرد. باید یک صلاحیت جهانی بر پیگرد این نوع جرایم داده شود مثل قضیه‌ای که فعلاً در هالند جریان دارد البته مسلم است که این قسم جنایات همیشه تعقیب نمی‌شود که به هزارها متهم و مجرم رسیدگی کند. می‌شود که در سطح بین‌المللی توسط تشکیل محاکم به خصوص صورت بگیرد مثل تجربه یوگوسلاویا و یوگندا یا محکمه جزایبی نورامبرگ یا جاپان نشان داد و فعلاً تجربه ثابت ساخته است و کشورها به این باور هستند که تشکیل محاکم به خصوص برای جرایم مخصوص از نظر اقتصادی بسیار اهمیت دارد ولی توافق سیاسی کار مشکل است. البته یک راه سوم هم وجود دارد و آن راه این است که محکمه به اشتراک محاکم ملی و جامعه جهانی به وجود بیاید. حال بر می‌گردیم روی ICC من فکر می‌کنم

سند روم یک میثاق بین‌المللی است که مکلفیت‌ها و مزایای طرز‌العمل ICC را بیان می‌دارد

و کشورهای عضو هنوز توفیق آن را نیافته‌اند که به توافق برسند. این جرم خیلی مهم است.

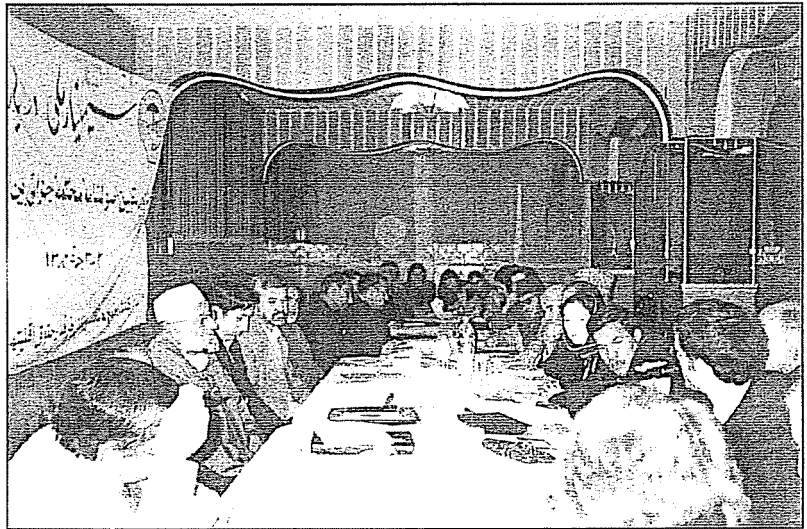
جرم دیگری که امروز در جلسه مطرح شد تروریسم بود. که البته این موضوع در کنفرانس ۱۹۹۸ مطرح شد ولی متأسفانه کدام تعریفی از تروریسم به وجود نیامد. و در اعلامیه نهایی کنفرانس ۱۹۹۸ تذکر یافته که جرم تروریسم یکی از آجندهای کنفرانس بازنگری ICC در سال ۲۰۰۹ خواهد بود. در کنفرانس روم در ۱۹۹۸ بیشترین بحث‌ها روی تروریسم متمرکز بود

ارائه نماید.

البته سند روم از یک تعداد اصولهای خاص نظام جزایی بین‌المللی استفاده می‌کند. که از جمله آن اصل تعقیب یک مجرم است که این مجرم در تصادمات با افراد باشد. موضوع دوم آن کسانی است که در موقف فرماندهی قرار دارند یا کسانی که از آنان فرمان می‌گیرند و کسانی که در جمع فرمانده هستند همه مسئولیت دارند که در برابر اعمال خود پاسخ بگویند. یک موضوع دیگری که باید به یاد ما باشد این است که صلاحیت ICC برای رسیدگی به

چنان اگر یک محکمه ملی یک مجرم را طوری محاکمه نماید که در اصل محاکمه صورت نگیرد و از مجرم حمایت کند در آن صورت ICC می‌تواند وارد عمل شود به همین موجب حارنوال ICC در دو مورد جرم فعلاً رسیدگی می‌کند یکی در کشور یوگاندا و دوم در جمهوری دموکراتیک کانگو. چیزی که جالب است این که رسیدگی ICC به این نوع جرایم از طرف کشورهای کانگو و یوگاندا در خواست شده بود آنها فکر می‌کردند حارنوالی آنها توانایی محاکمه این نوع جرم را ندارند و ICC می‌تواند به این قسم جرایم رسیدگی بکند از همین جهت موضوع اصل مکلفیت که در ICC مطرح شده است یک موضوع بسیار مهم است و حتی در خود سند روم تذکر یافته است و مسئولیت‌های خود کشورها است که بر این نوع جرایم رسیدگی کنند.

اگر سران دولتها از نظر سیاسی مانع شوند یا توانایی محاکمه را نداشته باشند، ICC وارد عمل خواهد شد. و شرایطی هم برای رسیدگی به جرایم در ICC وجود دارد شرط اول اینکه جرم در کشور عضو صورت گرفته باشد و یا اینکه توسط طبعه‌ی یک کشور دیگر در یک خاک دیگر صورت گرفته باشد در این صورت ICC می‌تواند وارد عمل شود، شرط دوم این است که یک کشور داوطلبانه از ICC بخواهد که به جرایم آن کشور رسیدگی بکند و این درخواست را هر کشور که عضو ICC هم نباشد می‌تواند انجام دهد چیزی که من خبر دارم یک کشور از ICC خواسته است به جرایم که قبل از زمان تأسیس ICC صورت گرفته است نیز رسیدگی



نمایی از سمینار ملی در مهمان‌خانه صلح

جرایم متوجه افراد است نه دولتها یعنی ICC نمی‌تواند که یک دولت را بصورت دولت محاکمه بکند و یک اصل عمده‌ی دیگری که در سند روم آمده است یعنی ICC نمی‌تواند به همه جرایم رسیدگی بکند و تنها در شرایط وارد عمل خواهد شد که محاکم ملی نتواند به این قسم جرایم رسیدگی بکند و هیچ نوع شرایط برای معافیت مرتکبین جرایم موجود نباشد و هم

بعضی می‌گفتند تروریسم یک حمله است به طرف یک جامعه غیر نظامی به هدف ایجاد ترس وحشت. موضوع دیگری که بیشتر جز جرایم ICC قرار بگیرد قاچاق انسان است که این موضوع هم امکان دارد که در سال ۲۰۰۹ در کنفرانس بازنگری مطرح شود. افغانستان به صورت یک کشور عضو می‌تواند در آن شرکت کند پیش نهادهای خود را برای تکمیل سند روم

صلاحیت ICC برای رسیدگی به جرایم متوجه افراد است نه دولتها یعنی ICC نمی‌تواند که یک دولت

را بصورت دولت مملکت بکند

مختلف و مؤسسات، مورد مشورت قرار گرفت و کشورهای دیگری که این اقدام را پیش از پیش نموده بودند، آنها تدابیر مختلف را اتخاذ نمودند که دیروز در این ارتباط صحبت کردم. البته کشورهای مختلف این کار را کرده‌اند. آنها علاقمند هستند تجربه خود را با شما در میان بگذارند و همکار با شما هستند به شمول کشور خودم، سوئیس من به نمایندگی از کشور خود آماده‌ی همکاری هستم.



به دنبال سخنان آقای مایکل، آقای ابدالی سکر تر آپامر گفت:
من فکر می‌کنم که همه‌ی چیزهایی که گفته



شد، طبق گفتار آقای مایکل یک راهنمایی بسیار خوب بود. حال موضوع این است که اگر ما بخواهیم نتیجه بگیریم ما باید متوجه این باشیم که موضوعاتی که مطرح شده است مثل این که آقای مایکل هم گفت هماهنگ ساختن قوانین ما با محکمه‌ی بین‌المللی است موضوع دوم صلاحیت محاکم ما با محکمه بین‌المللی جرایم می‌باشد. سوم طرز تعقیب این موضوع است به نظر من ما باید کوشش کنیم که در این راستا متخصصین جمع شوند و همان قسم که دولت سوئیس یک کمیسیون را از ارگان‌های مختلف گرد آورده و زمینه را فراهم کرد. این یک کار بسیار معقول هم است چنانچه که قبلاً هم مطرح شد. اما در این مجلس ما و شما هم به نتیجه‌ای که باید راه حل قانونی پیدا کنیم دوم اگر صلاحیت

بکند لیکن من فکر می‌کنم که امکان این کار میسر نیست و تصمیم نهایی گرفته نشده است به احتمال زیاد ICC می‌خواهد که در یک شرایط خاص در یک قضیه رسیدگی بکند لیکن این کار خیلی غیر محتمل به نظر می‌رسد بخاطر اینکه از پنج عضو دائمی شورای ملل متحد زیاد علاقه‌مند به ICC نیست لذا آنها نمی‌خواهند که ICC زیاد به این چیزها مداخله بکند. نام برده در تداوم سخنانش گفت:

هم چنان که قبلاً مورد بحث قرار گرفت ICC نمی‌تواند قبل از سال ۲۰۰۳ به قضایا رسیدگی بکند و یا در افغانستان قبل از اول اپریل سال ۲۰۰۳ وارد عمل شود لیکن این به این معنی نیست که کشورهای عضو نمی‌تواند به جرایم پیشتر رسیدگی بکند مثلاً افغانستان می‌تواند با وضع کردن قوانین به خصوص برای رسیدگی جرایم گذشته خود وارد عمل شود. بنا بر این برای افغانستان فعلاً در ارتباط با ICC دو موضوع قابل اهمیت است یکی موضوع همکاری افغانستان به عنوان یک کشور عضو است که باید با محکمه همکاری بکند. دوم وضع قوانین است که زمینه‌ی همکاری را از نظر حقوقی و قانونی مساعد سازد. موضوع دیگر این است که کشور عضو باید توانایی داشته باشد که افراد متهم در جرم را دستگیر و به محکمه تسلیم بدهد. بنابر این تدوین قانون تطبیق اصولنامه ICC از دو جهت ضروری می‌باشد؛ اول مساعد ساختن همکاری، دوم گنجاندن اصولنامه‌ی ICC در قوانین افغانستان تا اینکه برای محاکم ملی صلاحیت داده شود که در جرایم گذشته، حال و آینده بتواند رسیدگی کند بنا بر این تطبیق اصولنامه ICC در افغانستان موضوع اصلی است که مورد بحث امروز و فردا خواهد بود. تجربه‌ای که ما در سوئیس داشتیم با شما در میان می‌گذارم که در سوئیس ما یک گروه کاری را که متشکل از ارگان‌های دولتی بود تشکیل کردیم. برای اولین بار یک مسوده قانون تطبیق را به وجود آورد که بعد این مسوده با سازمان‌های



محاکم را رویش بحث کنیم. صلاحیت آنها داخل همان کمیته یا کمیسیون می شود برای نتیجه بحث یک نظریه را مطرح می کنیم و آن این است که ما یک قطع نامه را صادر کنیم که تمام ضروریات را برای انجام این موضوع با خود داشته باشد. این مجلس فقط می تواند که به اساس یک قطع نامه این را به مراجع ذی صلاح ارائه نموده و با آنها در میان بگذارند.



نظر یک تن دیگر از شرکت کنندگان سمینار محکمه‌ی جزایی بین‌المللی:

در ضمن صحبت‌های سمینار یکی از اعضای شرکت کننده آقای اشرفی پیشنهادش را مطرح کرده گفت: یک خوشبختی این است که اساسنامه را برای ما و شما داده است و کسانی که در مراجع‌های حقوقی و قانونی دست دارند این موضوع را میدانند که تحلیل این کار ساده نیست.

خوب فعلاً موضوع این است که شب این اساسنامه را خوب مطالعه نماییم و خصوصاً کسانی که در حارنوالی و قضاء کار می کنند همان مطالب که مربوط به قانون مدنی و جزایی است نشانی کنند و روی آن کار صورت بگیرد. از نظر قانون پارلمان این اجازه را بدهد که ما باید روی مطالب عمل کنیم بخاطر این که هیچ ماده‌ی از این اساسنامه خلاف قانون اساسی ما نمی باشد و مخالف شریعت ما هم نمی باشد. مثلاً تمام جرم‌ها از قبیل تجاوز علیه بشریت تخریب اماکن شفاخانه‌ها و هلال احمر همه‌ی اینها در قانون ما هم است و در این جا هم تذکر

یافته است.

بخاطر اینکه ما بتوانیم و بیشتر وارد عمل شویم باید پیش نهادهای خود را ترتیب کنیم و مطالعه کنیم که آیا به این قسم موضوعات ما روبرو شده‌ایم یا خیر که خلاف قانون ما باشد حتی به حارنوالی و قانون جزایی ما می توانیم پیش نهادهای خود را مطرح کنیم. قانون جزا هم ترتیب شده ما کوشش کنیم که در قانون حارنوالی خود مقررات بسیاریم و در قانون جزا هم پیشنهادات داشته باشیم. بنا بر این مسئولیت بسیار بزرگ متوجه برادران ما که در وزارت عدلیه تشریف دارند، می باشد که آنها باید این سند را خود بخوانند و فردا با پیش نهادهای خود تشریف بیاورند تا ما بی خبر از قانون نبوده یا بدون مسوده بحث نکنیم



به دنبال پیشنهاد فوق آقای داکتر ذکریا تشکر نموده گفت:

بسیار پیش نهاد خوب است باید حارنوالهای ما قضات ما اساسنامه را خوب بخوانند و تشویق ما این است که

**برای افغانستان فعلاً
در ارتباط با ICC دو
موضوع قابل اهمیت
است یکی موضوع
همکاری افغانستان به
عنوان یک کشور عضو
است که باید با
ممکنه همکاری بکند.
دوم وضع قوانین است
که زمینه‌ی همکاری را
از نظر حقوقی و قانونی
مساعد سازد**

پرنسیب پذیرفتند. ولی ما هم تصویب کردیم و هم از حیث پرنسیب قبول کردیم ولی در عمل آن ما مجبور هستیم و در این قسمت نیاز به یک تغییر کلی داریم. من نظرم این است که یک کمیسیون از قضا و حقوقدانان فراهم شوند و این کار بسیار خوب خواهد بود. ما باید ببینیم که بعضی چیزهای شان مخالف شریعت است یا نه اگر است در کجایش است مثلاً نسل کشی و یا کشتار جمعی ما باید ببینیم که در شریعت ما چنین کلمه‌ای داریم یا خیر و اگر هست جزای آن چیست. و مسئله‌ی مهم این است که ما چه قسم یک عمل را کشتار جمعی بگوییم که این مسئله باید تعریف شود. بعد ما روی شکل آن حرف می‌زنیم و چطور یک شخص مجرم شناخته می‌شود روی یک مجرم چطور دستگیر شده و جزا داده شود و اینکه کشورها با هم توافق دارد یا نه این موضوعات هست که باید روی آن بحث صورت بگیرد و نظر من این است که یک کمیسیون باید تشکیل شود.



وظایف قانون دانان و تعریف

جرایم

عضوی دیگری از اشتراک

کننده‌گان گفت:

در مقابل ما یک وظیفه مهم وجود دارد که عبارت از هماهنگ ساختن قوانین ما با اساس نامه روم است در این جا می‌بینیم که چند مرتبه در صحبت دیروز ما گفتیم که جرم تعریف نشده است ما باید در مورد تجاوز و ترور بدانیم که تجاوز به دو مفهوم است یکی تجاوز دولت علیه دولت دیگر دوم تجاوز

هماهنگ ساختن گفت:

طبعاً این وظیفه‌ی یک جای است که باید زمینه را فراهم کند این جرایم که در این جا ذکر شده است ما در قانون جزا نداریم و این را نمی‌توانیم به حیث یک جرم قبول کنیم در قانون ما نیست همان قسم که قاضی صاحب فرمودند جواب هم گرفتند نمی‌دانم که قناعت بخش بود یا نه ولی این جرایم تعریف و مصادیق مشخص ندارد وقتیکه ما تعریف جرم را نداریم مثلاً کشتار جمعی، نسل کشی که ما در قانون جزا نداریم اگر شامل قانون جزایی سازیم به اساس تعریف و تفسیر باید در قانون جزا بیاید این را به حیث یک جرم قبول کنیم که کشتار جمعی و غیره. به هر حال در قسمت اینکه ما چه تدابیر را بسنجیم حال هر ارگان که مربوط این است او خودش مجبور است مثل بعضی کشورها این جرایم و قانون را بکار ببرند ممکن است کمی عجله کرده باشند ولی آنها امضاء کردند ولی تصویب نکردند و منتظر هستند که در عمل درست، طبق خواست شان می‌باشد یا خیر که از آن جمله کشور مصر و سودان می‌باشند که از حیث

نتیجه گیری نمایند پیش نهاد هایشان را در کمیسیون که تشکیل می‌شود باید مطرح کنند.

آقای ابدالی گفت:

یک موضوع بسیار مهم که عبارت از هماهنگ ساختن قوانین افغانستان با اصولنامه‌ی روم است و یک مسئله عمده هم است پیشنهاد من این است که چه بحث در همین رابطه داشته باشیم و یک ضرورت کار را ایجاد کنیم یا یک سمینار دیگر را براه اندازیم چه کار کنیم نظر اشتراک کنندگان چیست؟ مسئله‌ی صدور یک قطعنامه در ختم این سمینار حتمی است و یکی از کارهای دیگری ما مربوط دانشکده شرعیات است که بعضی این قوانین با قوانین اسلام فرق می‌کند و هم چنان چه قسم یک نهاد باید ایجاد شود تا در این زمینه کار کند؟



پیشنهاد تشکیل کمیسیون
استاد دانشکده حقوق آقای
ظل‌الرحمن در زمینه در قسمت



ضرورت حضور فقها در

کمیسیون

آقای نیاز محمد استاد دانشکده‌ی شرعیات کابل یادآورد شد:

نظر من صرف در قسمت تشکیل کمیسیون است. اول اگر این کمیسیون ایجاد می‌شود پس نقش ارگان قانون گذاری که در وزارت عدلیه هم وجود دارد، چه می‌شود. نقش این ارگان در این راستا خیلی برجسته می‌باشد.

دوم: موضوع مهم این است که من با فرموده‌ی اشرفی صاحب موافق نیستم که او می‌فرماید اصولنامه و یا قوانین محکمه ... اصلاً با قوانین اسلامی مغایرت ندارد و بصورت قطعی حکم کردن. قبول آن مشکل می‌باشد. اولین نکته این خواهد بود که قاضی کدام شرایط دارا می‌باشد.

یکی از شرایط قاضی در کشور ما مسلمان بودن است خوب این یک حرف است باید با آن پاسخ داده شود به هر صورت این مغایرت هم راه حل دارد. راه حل این است که فقهاء کرام و یا کسی که مسایل حقوقی و شرعی را خوب می‌دانند و هم در قضیه و قانون بلدیت دارند موجودیت آنها در این کمیسیون ضروری است.

موضوع دیگر موضوع مرور زمان است و عنصر معنوی جرم که سرشان صحبت می‌شود.

من فکر می‌کنم که یک جرم که حیث بین‌المللی را پیدا بکند و در یک محکمه بین‌المللی مطرح شود آن وقت خواهد بود که آن جرم سازمان یافته باشد و زمانی یک جرم را بین‌المللی تلقی می‌کنم که فردی نباشد.

و به نام تروریست خوانده شود؟
کسی که برای آزادی خود می‌جنگد چگونه عنوان تروریسم به آنها اطلاق شده

تجاوز افراد علیه افراد است و مخصوصاً تجاوز علیه اطفال صغیر که در پهلوی آن تجاوز جنسی صورت بگیرد. راجع به تعریف در این جرم وظیفه قانوندانان محترم دولت است که باید از آن تعریف مشخص به عمل آورند.

آمدیم در قسمت ترور:

من صرف در مورد ترور توضیح می‌دهم در جریان جنگ عمومی دوم آلمانها فرانسه را اشغال نمود. فرانسه آلمانها را تروریست می‌گفتند بخاطر که تجاوز دولت علیه آن صورت گرفته بود افراد فلسطین آزاد نمی‌شود که زیر عنوان تروریست بیاید چون آنها برای آزادی خود می‌جنگند و کسی که برای آزادی خود می‌جنگد چگونه عنوان تروریسم به آنها اطلاق شده و به نام تروریست خوانده شود؟

در ضمن آقای داکتر ذکر یا گفت:

بخاطری که موضوع روشن شود اول حرف ما در هماهنگ ساختن قوانین ما با محکمه‌ی جزایی بین‌المللی است. دوم تعریف اصطلاحات است که هر دو وظیفه‌ی همین کمیسیون است و چیز دیگر بخش عملی این محکمه است که چه طور این محکمه می‌تواند در افغانستان وارد عمل شود. ما بتوانیم این محکمه را جامه‌ی عمل بیوشانیم باید همه در قطع نامه ذکر شود مسئولین رادیو و تلویزیون در این بابت مجالسی داشته باشند توضیحات به عمل آید و مفاد خوبی خواهد داشت و خصوصاً برای آگاهی عامه‌ی مردم بسیار مفید و ضروری است.



بیانیه‌ی

وگرم پارک

پیرامون

حقوق اطفال

یک موضوع تأدیبی مطرح است که به اطفال کمک شود که آنها دوباره از جرم و جنایت دست بکشند و دوباره به اجتماع به حالت عادی خود اشتراک نمایند یکی از دلایلی که بیشتر به این ارتباط می‌گیرد این بود که اطفال در محاکم ملی محاکمه شوند تا اینکه بتوانند در محاکم ملی از محافظت‌های قانونی بیشتر برخوردار باشند و توجه بیشتر در نظام‌های قضایی کشورها به آن داده شود.

در افغانستان نیز لازم است که برای افزایش حمایت‌های قانونی از اطفال میزان عدلی خود را انکشاف بدهند که حداقل زمینه‌های مناسب برای اطفال افغانستان پیدا شود برای این هدف البته قوانین مقایسوی دیگر نیز وجود دارد و می‌شود قوانین کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته و استفاده از آنها به عمل آورد برای قضایی افغانستان انتخاب شود.

من روی موضوع دیگری که می‌خواستم تماس بگیرم موضوع جرایمی است که نسبت به اطفال امکان دارد صورت بگیرد یکی از آن استفاده از اطفال در وظایف مسلحانه است. فیصله روم استفاده از اطفال زیر ۱۸ سال را در موضوعات مسلحانه غیر قانونی و جرم اعلان می‌دارد.

البته این ماده در سند روم به نظر می‌رسد لیکن قوانینی که روی کیفیت بیان موضوع در اصولنامه مطرح شد بسیار بحث پر انگیز بود. از این که یک تعدادی از کشورهای پیش رفته که نمایندگان شان در کمیسیون مقدماتی و تطبیقی روم اشتراک داشتند در کشورشان به اطفال هم چون زمینه‌ها را مساعد نساخته بودند. مسئله‌ی استفاده نظامی از اطفال و مباحثات

وگرم پارک از گروه بین‌المللی بحران ICG در مباحث سمینار سهم فعال گرفته و بعد از تشکر، تجربیات خود را، راجع به اصولنامه روم و مسایل مورد بحث راجع به اطفال، چنین بیان داشت:

هم چنان که معرفی شدم نام من وگرم پارک است که در قسمت بحران بین‌المللی کار می‌کنم و فعلاً در افغانستان هستم و موضوعاتی که سخنانم را روی آن متمرکز می‌کنم بیشتر روی موضوعات است که من خودم در جریان تصویب اصولنامه‌ی بین‌المللی روی شان کار می‌کردم من فقط تجربه‌ی خود را در ارتباط با آن، با شما در جریان می‌گذارم. موضوعی را که من روی آن صحبت خواهم کرد، موضوعی است که بیشتر تجربه و کار روی آن در سابق داشتم من فکر می‌کنم که یک موضوع بسیار مهم است که در جریان تطبیق قوانین افغانستان و به حقوق اطفال نیز توجه شود و محافظت بیشتر حقوق اطفال در افغانستان پیش بینی شود من مختصراً آن مواد را که در اصولنامه ICC تذکر یافته به ارتباط اطفال روی آن تماس می‌گیرم که کدام مواد در اصولنامه‌ی رم گنجانده شده است.

یک موضوع بسیار عمده، صلاحیت قضایی ICC در ارتباط حقوق اطفال است و اصولنامه ICC بیان می‌دارد که این محکمه به آن عده از مجرمین که زیر سن ۱۸ سال باشند رسیدگی نخواهد کرد دلیل عمده‌ی که محکمه با اطفال زیر سن رسیدگی نخواهد کرد این است که ICC یک محکمه جزایی کیفری است لیکن در موضوعات عدلی راجع به اطفال

در افغانستان نیز لازم است که برای افزایش حمایت‌های قانونی از اطفال میزان عدلی نود را انکشاف دهند

موارد زیادی بود که من به آن رو به رو شدم، از جمله ازدواج‌های اجباری و یا اختطاف اطفال می‌باشد. جرایم جنسی از اطفال امکان دارد در معرض انتقام جویی‌ها قرار بگیرد و

اصولنامه‌ی ICC بسیار به صراحت بیان می‌دارد که بر این نوع جرایم کسانیکه در محاکمه شهادت می‌دهد باید مورد حمایت قرار بگیرد.

و هم طرز عمل محاکمات ICC بیان می‌دارد که این زمینه باید مساعد نشود که قربانیان جرایم جنسی دوباره مورد آزار قرار بگیرد.

و هم چنان تذکر یافته است که شهادت می‌دهند بالمقابل شهادت بدهند و آنها مجبور نیستند که طوری شهادت بدهند که والدین خود را در جریان شهادت مجرم قلمداد نمایند اصولنامه محاکمات و شهادت بیان می‌دارد که محکمه می‌تواند کسی را موظف بسازد که در ارتباط طفل در جریان شهادت دادن اشتراک نموده و از آن در محاکمات بررسی به عمل آید و آنرا کمک کند و هم چنان محکمه و حارنوالی باید افرادی را به آموزش مخصوص به ارتباط طفل و حقوق طفل در داخل این محاکمات نماید.

به این خاطر سند روم در افغانستان می‌تواند که شامل و تطبیق گردد و یک سلسله موادات و حمایت‌های قانونی که به وجود آمده در قانون افغانستان آورده شود بخصوص آن مواردی را که من فعلاً نام گرفتم به طوری مشخص در قوانین افغانستان تذکر داده شود و هم چنان با تخصص کافی برای استفاده از این قوانین در جریان محاکمات مورد استفاده قرار داده شود. آنچه که در ارتباط اطفال و سند روم گنجانیده شده بیشتر نتیجه کنوانسیون حقوق طفل است در افغانستان تطبیق این‌نامه‌ی ICC فکر می‌کنم که از آن جهت اهمیت دارد که حقوق اطفال نیز مراعات شود و توجه بخصوص به اطفال در نظام عدلی و قضایی افغانستان داده شود همانند آنچه که در ICC اظهار شده است

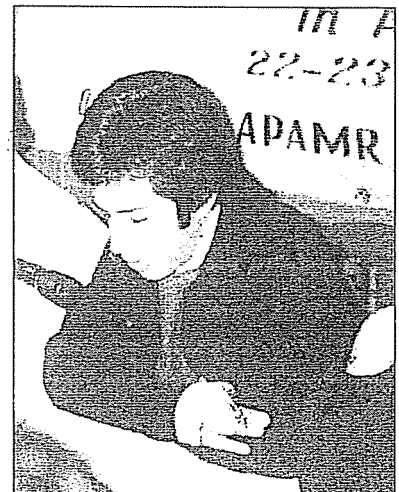
روی این ماده بسیار بحث بر انگیز و جنجالی بود و کسانی که حقوق بیشتر برای اطفال ادعا می‌کردند آنها موفق نشدند. یک پیش رفت حقوقی و قانونی که در این باره در سند روم به وجود آمد، پروتکل‌های انتخابی حقوق اطفال است که این پروتکل راجع به استخدام و استفاده از اطفال زیر سن را در موضوعات مسلحانه، غیر قانونی و جرم اعلام می‌دارد و این یک زمینه را مساعد می‌سازد که مفاد این پروتکل در باز نگری اصولنامه‌ی ICC در آینده شامل گردد.

کشورها و کسانیکه از اطفال استفاده‌ی نظامی می‌کنند، باید آگاهی داشته باشند که عساکر آنها زیر ۱۸ سال نباشند. در افغانستان بخاطر اینکه اکثریت افغانان رجستر نمی‌شوند و در تعیین سن شان مشکل به وجود می‌آید.

در زمان طالبان از طالبان این پرسش به عمل آمد که آنها از مدارس مذهبی اطفالی را که زیر سن قانونی بودند در جنگ‌های داخلی از آنها استفاده می‌کردند در برابر این انتقاد آنها فرمان صادر کردند که فقط اطفالی می‌توانند استخدام شوند که دارای ریش باشند و ریش آنها به اندازه‌ی یک مشت باشد لیکن این موضوع که نمی‌تواند مطابق معیار بین‌المللی باشد و اداره‌ی افغانستان مطابق اصولنامه‌ی ICC باید تاریخ تولد رجستر اطفال را روی دست بگیرد.

یک جرم دیگری که به ارتباط اطفال در اساسنامه ICC تذکر یافته حملات عمدی و قصدی روی مکاتب و اداره‌های تعلیمی است. البته سال‌های اخیر در افغانستان نشان می‌دهد که مکاتب دخترانه از طرف اشخاص و نهادهای مورد حمله قرار می‌گرفت که این مطابق اصولنامه‌ی ICC یک جرم به حساب می‌آید.

یک جرم دیگری که به ارتباط اطفال در اصولنامه‌ی ICC مطرح است بردگی جنسی و یا سو استفاده‌های جنسی از اطفال است. با قربانیان جنگ افغانستان در سال‌های اخیر مصاحبه داشتم



ما قبل رجعت نمی‌کند، تشویش ما این است جرایم که در افغانستان اتفاق افتاده در بیست سال گذشته بوده است. پس این محکمه چه کمکی برای افغانستان می‌تواند بکند در حالیکه جرایم عمده در افغانستان در بیست سال گذشته اتفاق افتاده است؟

✓ در جواب سوال فوق یکی از اشتراک کنندگان سمینار یادآور شده گفت:

درست که اصل رجعت قانون به ماقبل یک اصل است ولی اصل مرور زمان هم در قانون ما مطرح شده است. ما و شما می‌دانیم که همه‌ی اصول و قوانین که بر اساس یک اصل بنا نهاده می‌شود، در پهلوی خود یک اصل دیگری دارد که اصل استثناء نامیده می‌شود. بناً اگر اصل عدم رجعت قانون به ما قبل وجود دارد، اصل استثناء نیز وجود دارد که آن عبارت از جرایمی است که بسیار مهم و خطرناک می‌باشد که در گذشته اتفاق افتاده و قوانین ICC به اتکاء به آن اصل، به ماقبل رجعت پیدا می‌کند. مثلاً افغانستان در سال ۲۰۰۳ این محکمه را تصویب کرده و جرایم خطرناک در سال‌های ۱۹۹۸ صورت گرفته است. به اساس همین قانون است که می‌شود مجرمین گذشته را به محاکمه کشاند. به لحاظ اینکه جرایم سال ۱۹۹۸ بسیار مهم و خطرناک بوده‌اند و منافع ملی را زیر سوال برده است. با این اصل است که می‌توانیم به ماقبل رجعت کنیم. در این موضوع مثل‌های زیادی از جرایم گذشته وجود دارد.

مسئله حقوقی محاکمه اطفال

زمینه بدهم آن است که وقتی ما راجع به اطفال صحبت می‌کنیم معنایش این نیست که افغانستان راجع به موضوعات حقوقی اطفال قانونی نداشته است بلکه محکمه‌ی اختصاصی اطفال در افغانستان ۴۰ سال قبل تاسیس شد و دارای مرجع است که به نام دارالتأدیب خوانده می‌شود. اطفال در این جا نگهداری می‌شود. ۹۰ درصد قانون اطفال آن وقت افغانستان با مواد کنوانسیون حقوق طفل مطابقت داشته است و فعلاً هم مسوده قانون اطفال ما، مطابق به معیارهای بین‌المللی است که به اتمام رسیده و منتظر تصویب شورای وزیران می‌باشد.



پرسش و پاسخ راجع به عدم رجعت قانون به ماقبل
 ✓ یکی دیگر از اعضای سمینار سوالی را مطرح کرده پرسید:
 همانطوری که دوستان توضیح دادند که محکمه‌ی جزایی بین‌المللی به

از جمله سوالی که در سمینار مطرح گردیده پرسیده شد راجع به مسایل حقوقی محاکمه اطفال بود که یکی از شرکت کنندگان پرسید:

همانطوری که بحث و گفته شد که محاکمه اطفال باید در کشور مطبوعش به اجرا گذاشته شود، پس وظیفه‌ی محکمه جزایی بین‌المللی در این زمینه چیست؟

دوم مسئله سنی اطفال است، که اطفال تا سن پانزده سالگی نمی‌تواند تحت پیگرد و تعقیب مقررات محکمه جزایی بین‌المللی قرار بگیرد و یا در مسایل نظامی استخدام گردد. در حالیکه در قانون افغانستان، پسر تا سن ۱۸ سالگی، طفل خوانده شده است پس اگر یک توافق کلی روی سن ۱۸ سال وجود نداشته باشد، ما چطور می‌توانیم که سن ۱۵ سالگی را در مسایل نظامی اختصاص بدهیم؟

پرسنده به سخنانش ادامه داده گفت: توضیحی که می‌خواهم در این

مردم افغانستان ارائه می‌گردد و این مربوط مردم افغانستان است که مجرمین گذشته را عفو می‌کنند و یا در پای محاکمه می‌کشند.

✓ آقای داکتر ذکریا وارد بحث شده گفت:

در سال ۱۹۸۰ وقتیکه ما در مقابل دفتر ملل متحد در نیویورک علیه تجاوز شوری تظاهرات کردیم و از سازمان ملل خواستیم که از شوری بخواهد از افغانستان خارج شود و سازمان ملل هیچ وقت نام اتحاد جماهیر شوری را ذکر نمی‌کرد و فقط می‌گفت متجاوزین از افغانستان بیرون برود. وقتیکه ما می‌پرسیدیم که چرا نام اتحاد جماهیر شوری را نمی‌برید جواب می‌داد که بنا بر مصلحت بین‌المللی است و فعلاً، کشورهای عضو اصولنامه‌ی روم، مصلحت‌ها و منافع خود را در نظر دارند. اگر ما انتظار داشته باشیم که آنها عدالت کلی ایجاد نماید بعید است. شما می‌توانید بگویند که قاتلین هیرو شیمای جاپان به محاکمه کشانیده شود؟

ممالک که سابقه‌ی استثمار و استعمار دارند و هیچ وقت محکمه‌ی را بوجود نمی‌آورند که جرایم گذشته را بررسی کرده و مجرمین را به پای میز

اعلان کرد و آیا رئیس جمهور صلاحیت عفو را داشت؟ آیا از صلاحیت او بود که کسانی را عفو کند که پلگونها‌ی پل چرخ‌ی را پر از انسان زنده بگور نموده بودند؟ و یا اگر از چند سال پیش شروع نماییم با در نظر داشت موقعیت افغانستان که از نظر جغرافیایی و سیاسی دارد خصوصاً با در نظر داشت مرزهای طولانی که در کنترل ما هم نیست، آیا این مجرمین باز یک بلایی را بر سر ما نمی‌آورند و در کنار همه‌ی مشکلات و مسایل هم یک مسایل ساختار داخلی خود کشور ما است که ممکن است وارد شدن در این موضوع حساسیت‌های ملیتی را بر انگیزد زیرا که هر مجرم در پهلوی خود حمایت مجرمین دیگری را هم دارد. پس وارد شدن در این موضوع دقت بیشتری می‌خواهد.

در قانون مسئله‌ی دیگری هم مطرح است که آیا مصالح ملی مهم است و یا اینکه مسئله محاکمه‌ی مجرمین جنگی و اعمال ضد بشریت؟

✓ آقای مایکل سمپل (نماینده‌ی اتحادیه‌ی اروپا) در جواب این نگرانیها گفت:

از صحبت‌ها چنین معلوم می‌شود که مردم افغانستان خواهان محکمه‌ی مجرمین گذشته می‌باشند ولی در این رابطه یک سری در سطح تمام کشور صورت گرفته و یک موسسه‌ی دیگر در حال تحقیق است و کمیسیون ملی حقوق بشر سری دیگری را انجام داده است که نتایج این سرویها برای

✓ همچنین جواب دهنده در سخنانش ادامه داده گفت:

اگر کسی از دوستان سوال کند که ماده ۱۱ اصولنامه‌ی روم تصریح دارد که محکمه به جرایم ماقبل از تصویب رسیدگی نمی‌کند، در بند دیگری از همین ماده ذکر شده است که اگر کشوری از محکمه بخواهد و تقاضا نماید که به جرایم که قبل از بوجود آمدن تصویب محکمه اتفاق افتاده است رسیدگی نماید این خودش یک راه حل می‌باشد برای کشوری که از محکمه تقاضا می‌کند که به جرایم ماقبل ۲۰۰۳ رسیدگی نماید و محکمه جزایی بین‌المللی می‌تواند اقدام نماید. موضوع دیگری که برای حل قضیه در شریعت اسلامی ما مطرح است بحث منافع کلی و مصلحت‌های ملی می‌باشد. به این معنی که اگر مصلحت کلی افغانستان ایجاب کند که افغانستان به ماقبل برگردد و جرایم گذشته را مورد بررسی قرار دهد، این کار صورت می‌گیرد.

این اصل عدم رجعت به ماقبل یک اصل نگران کننده نیست ولی نباید از مسئله ملی و مصلحت‌های ملی سوء استفاده شود.

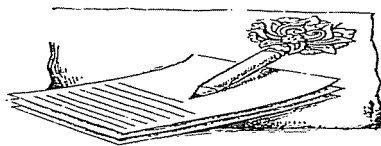
با توجه به جرایم که در بیست و سه سال در افغانستان اتفاق افتاده و خطرناک هم بوده است، همه‌ی ما شاهد آن بوده و لمس کردیم آیا منافع ملی افغانستان ایجاب می‌کند که بررسی بر آن جرایم در شرایط فعلی آغاز گردد؟ و آیا محکمه‌ی آنها به نفع افغانستان است؟ و اگر هم شروع کنیم از چه زمان باید شروع نماییم؟ اگر از ده سال قبل شروع کنیم باید حکومت مجاهدین، بزرگترین قاتل‌ها را معرفی نماید ولی در آنوقت رئیس جمهور وقت عفو عمومی



مباحث شان به این نتیجه رسیدند که کشور ما که الحاق خود را به محکمه جزایی بین‌المللی اعلام نموده است و این محکمه ... از ما می‌خواهد که قوانین جزایی ملی خود را مطابق قوانین محکمه جزایی بین‌المللی عیار نماییم، پس ایجاب می‌کند که ما گام‌های عملی را در این راستا برداشته و اقدام به هماهنگ‌سازی قوانین داخلی خود با محکمه جزایی بین‌المللی نماییم. در نتیجه همه روی تشکیل یک کمیسیون کاری مستقل متشکل از ارگانهای ذی‌ربط دولتی و جامعه‌ی مدنی و حقوقی باید فراهم آمده و ایجاد شود که در اطراف موضوع و چگونگی تطبیق و وظایف آن به بحث و بررسی پرداخت و زمینه‌ی تطبیق اصولنامه‌ی روم را با قوانین افغانستان، فراهم نماید. در نتیجه به پایان سمینار قطع‌نامه‌ی ذیل راه، به اتفاق آراء، به تصویب رسانیدند.

در ساعت چهار بعد از ظهر، آقای داکتر داود نجفی رئیس ایپامر از شرکت کنندگان سمینار تشکر نموده و جلسه را خاتمه اعلان داشت.

قطعنامه



مجمع متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیت‌ها، میزگردی را برای به اجرا در آوردن اصول محکمه جزایی بین‌المللی در قانون جزایی افغانستان به تاریخ ۲۱ دسمبر ۲۰۰۴ در سالون ستاره‌ی وزارت امور خارجه در کابل به

پس ICC راجع به آن کاری را انجام داده نمی‌تواند و ما باید دنبال یک راه حل دیگری باشیم، در این رابطه در سالهای اخیر ما شاهد دو نوع دادگاه هستیم یک دادگاه که ماهیت بین‌المللی دارد و یک دادگاهی که ملی است. در هر کشوری می‌باشد پس سوالی که مطرح است، این است که آقای زرداد که به انگلستان محاکمه می‌شود و طبق

محاکمه بکشند. همان چیزی که کوفی عنان گفته که این گام خوبی برای نسل‌های آینده است دقیقاً محکمه‌ی جزایی بین‌المللی برای نسل‌های آینده است و نه برای جزایم گذشته. پس باید بحث‌ها را مختصر نموده و متوجه باشیم که اهداف مجلس و سمینار به انحراف کشیده نشده و روی اصل موضوع بپردازیم.

رئیس جمهور وقت عفو عمومی اعلان کرد و آیا رئیس جمهور صلاحیت عفو را داشت؟ آیا از صلاحیت او بود که کسانی را عفو کند که پلگونهای پل چرخ را پر از انسان زنده بگور نموده بودند؟

کدام یکی از این دو نوع محکمه محاکمه می‌شود؟

✓ آقای ضیاءالدین مسئول شبکه‌ی آسیایی بین‌المللی ANICC در جواب چنین اظهار داشت:

این مربوط به مدعی می‌باشد که در هر جایی ادعا کند و وجود داشته باشد می‌تواند محکمه را در همانجا خواهان شود و محکمه دایر گردد و در مسئله زرداد هم افغانستانی‌هایی که در لندن حضور داشتند علیه وی ادعاهایی را داشتند و اقامه دعوا نمودند بناءً محکمه بصورت آغازین خود دایر گردید.



بعد از مباحث طولانی و سودمند دو روزه، اشتراک کنندگان محترم از

✓ آقای سید محمد عالم امینی از دفتر CCA پیشنهادی را مطرح کرده گفت:

ما باید روی اهداف اصلی پرداخته و این را در نظر داشته باشیم که دولت ما این محکمه را تصویب کرده است و ایجاد محکمه مصئونیتی را برای مجرمین نخواهد داد بناءً بهتر است که ما روی اهداف اصلی سمینار بپردازیم.

سوال آقای کاظم وحیدی و جواب آقای احمد ضیاء

✓ در این ضمن آقای کاظم وحیدی سوالی را مطرح نموده گفت:

تا جایی که از بحث‌ها امروز و دیروز معلوم شد مطابق ماده ۱۱ اصولنامه‌ی روم عطف به ماسبق نمی‌شود بنابر این جنایت‌هایی که در گذشته در این کشور اتفاق افتاده است.

افغانستان را به استاندارد محکمه‌ی جزایی بین‌المللی (ICC) عیار نماید.

ب: سهولت همکاری افغانستان را در تعهد اصولنامه روم و اجرای آن در افغانستان فراهم نماید.

ج: اختیارات قانونی محکمه افغانستان را توسعه داده تا که مجرمین تحت تعقیب قرار داده شود.

۴. کمیسیون باید مستقل و با منبع اقتصادی مستقل باشد

۵. در کمیسیون از متخصصین خارجی بالخصوص متخصصین کشورهای اسلامی و یا کسانی که با قوانین اسلام آشنایی دارند باید شامل گردد که تا با ملاحظات کشورهای دیگر که قوانین خود را مطابق محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC عیار نموده‌اند افغانستان نیز قوانین خود را عیار نماید.

۶. برای توسعه‌ی آگاهی عامه‌ی مردم و نهادهای تعلیمی باید کامپاین تبلیغاتی ICC از طریق رادیو، تلویزیون، جراید و دیگر رسانه‌ها اطلاعاتی بصورت وسیع به مردم ابلاغ شده رسانیده شود که زمینه‌ی ذهنی مردم افغانستان برای ICC آماده گردد. تاریخ ۲۰۰۳/۱۲/۲۳

فعالاً، کشورهای عضو اصولنامه‌ی روم، مصلحت‌ها و منافع خود را در نظر دارند. اگر ما انتظار داشته باشیم که آنها عدالت کلی ایجاد نماید، بعید است

نهادهای قابل ملاحظه دولتی و کارمندان جامعه‌ی مدنی باید تشکیل گردد.

۲. مجمع متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیت‌ها (اپامر) بنا بر اقدامات موثر و طولانی که در باره‌ی ICC در افغانستان داشته است باید ابتکارات ضروری را برای تشکیل کمیسیون و یا گردوب کاری اتخاذ نماید.

۳. کمیسیون باید که قانون اساسی افغانستان را مطالعه نموده و مسوده‌ی مناسب با مقصد اصلاح قانون ارائه نماید که:
الف: سیستم قانون عدلی

همکاری نزدیک وزارت خارجه و وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان سازمان داده بود که این میزگرد با دو روز سمینار ملی به تاریخ ۲۲ و ۲۳ دسمبر، در مهمان‌خانه‌ی صلح تداوم یافت.

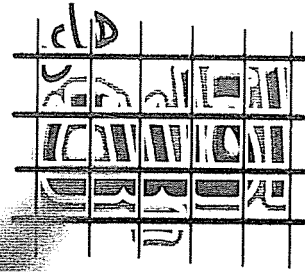
شخصیت‌های عالی رتبه‌ی رهبران دولتی و کارمندان مسایل حقوقی به شمول معاون وزارت خارجه، آقای زلمی عزیز، محترم داکتر محمد قاسم هاشمزی معاون وزارت عدلیه، محترم پروفیسور ثریا بیکان معاون وزارت تحصیلات عالی، خانم امیره حق فرستاده‌ی خاص سر منشی ملل متحد برای افغانستان، سفرا و دیپلمات‌های با تجربه و نمایندگان کشورهای خارجی متخصصی محکمه جزایی بین‌المللی و اعضای ارگانه‌های آزاد و کمیسیون مستقل حقوق بشر و کارمندان جامعه مدنی در این میزگرد و سمینار به صورت قابل توجه شرکت نموده بودند.

شرکت کنندگان و مهمانان با تجربه، تصویب و الحاق افغانستان را در فبروری ۲۰۰۳ به محکمه جزایی بین‌المللی (ICC) به حیث یک قدم مهم به پیش برای خاتمه‌ی نفوذ فرهنگ معافیت مجرمین و آفرینش دیموکراسی و ایجاد جامعه عادلانه و نشانه گرفتن تاریخ غم انگیز اخیر و اطمینان دادن حاکمیت قانون با نورم بین‌المللی را در کشور، که به حیث پایه‌ی گزاری ICC بوده، راه الزام اجراءات آن را نیز صحنه گذاشته و تأیید کردند.

در پایان اجلاس سمینار با اتفاق آراء، روی مسایل ذیل صحنه گذاشته و موافقت کردند.

۱. یک کمیسیون کاری متشکل از اشخاص با تجربه‌ی وزارت عدلیه، معاون وزارت خارجه و دیگر





ملی

ج. علی اوحدی

مذهبی

افغانستان

بزرگوار شده و سنگ‌های مرمر دور و اطراف آن را احاطه کرده است.

مؤسس این آیین یعنی گورونانگ در سال ۱۴۶۹ میلادی پا به جهان گذاشته در یک خانواده‌ی دهقانی در پنجاب هندوستان به دنیا می‌آید و بعدها که آیین سیک را پی‌ریزی می‌کند، لقب گورو

که به معنی معلم و آموزگار است به آن داده می‌شود و در سال ۱۵۳۸ میلادی رخت از جهان بر بسته دنیا را ترک می‌کند.

آیین سیک دارای «ده» گورو «معلم» است که نام آنها و سالی که مسئولیت رهبری یعنی آموزگاری به آنان سپرده شده است، به قرار ذیل می‌باشد:

در شماره‌ی قبلی راجع به اقلیت ملی و مذهبی هموطنان سیک و هندوی ما و موقعیت اجتماعی آنان تماس‌های مختصر گرفته شد اینک برای اینکه راجع به عقاید و آراء آنان معلومات مختصری را بدست آورده باشیم، نکوست که مطالبی را به صورت فشرده برای علاقمندان و خوانندگان «قربانیان و عدالت» در این صفحات ارائه نمایم.

شیانزدهم فیلادی پایه‌گذاری گردید و ایجاد ملیتی را در طی سپری شدن سالها بنام سیک نمود.

معبد بزرگ سیک‌ها که حکم

بیت‌المقدس بزرگی یهودیان و مکه برای مسلمانان را دارد. په نام معبد طلایی خوانده می‌شود و در آرمیتسر در میان آب ساخته شده است و بنای زیبایی است که با گنبد و قبه‌های طلایی سر

آیین سیک‌ها

آیین سیک‌ها شاید جدیدترین آیینی در میان ادیان دنیا است و زادگاه این آیین سرزمین هندوستان است و در آنجا هم پنجاب می‌باشد. این آیین توسط شخصی به نام نانگ در اوایل قرن

«چرا کسی را بیرستی که متولد می شود و می میرد. خدای واحد را بپرست که دریا و زمین را فراگرفته است.»

بدون شک آیین سیک یک آیین توحیدی است و بر هر فرد معتقد به این آیین واجب است اولین کلامی را که هر روز بر لب می آورد چنین است:

«تنها یک خدای واحد وجود دارد که نام او حق خالق مبرای از ترس و دشمنی، فنا ناپذیر، زائیده نشده، قائم بذات، عظیم و سخاوتمند است خدای واحد حقیقی در آغاز وجود داشته است، خدای واحد همواره بوده، هست و خواهد بود.»

مسئله‌ی توحید در کتاب مقدس گرانت سیکها کاملاً قابل توجه بوده و شدیداً تأکید گردیده است که توجه خوانندگان محترم را به چند نمونه‌ی از آن جلب می‌کنیم:

- ای برادران من خداوند یکی است و جزء او خدایی نیست. ص ۵۸۹
- تو شریک نداری که در کنار تو باشد. ص ۳۳۱
- هیچ کس مانند تو نیست تو در همه قرون و اعصار تنهای واحد هستی، همیشه تو واحد هستی سواً تو خدایی هرگز وجود نداشته است. ص ۱۷

- تو خدای بزرگ واحدی هستی اما تجلیات تو متعدّدند. ص ۵۰۴

عبادت در آیین سیک

در آیین سیک، عبادت، عبارت از: تفکر و اندیشه در باره‌ی خدا و تکریم نام حقیقی خداوند است. در کتاب گرانت آمده است:



نمایی از معبد تخریب شده‌ی سیکها در کابل (شور بازار)

- ۱- گورو نانک ۱۴۶۹_۱۵۳۸ م
- ۲- گورو آنگاد ۱۵۳۸_۱۵۵۲ م
- ۳- گورو آمار داس ۱۵۵۲_۱۵۷۴
- ۴- گورو رامداس ۱۵۷۴_۱۵۸۱
- ۵- گورو أرجان ۱۵۸۱_۱۶۰۶
- ۶- گورو هرگوبند ۱۶۰۶_۱۶۳۸
- ۷- گورو هررای ۱۶۳۸_۱۶۶۰
- ۸- گورو هرکیشان ۱۶۶۰_۱۶۶۴
- ۹- گورو تق بهادر ۱۶۶۴_۱۶۷۵
- ۱۰- گورو گوویندسینگ ۱۶۷۵_۱۷۰۸

مطالعه کنندگان آیین سیک بر این باوراند که آیین سیک آمیخته‌ی از اسلام و آیین هندو است که بعضی باورها، آداب و رسوم آن از اسلام و برخی هم از آیین هندو اتخاذ شده است. کتاب مقدس سیکها بنام «گرانت اصلی» و یا آدی گرانت خوانده می‌شود و این کتاب در سال ۱۶۰۴ میلادی توسط آموزگار پنجم یعنی گورو أرجان جمع‌آوری شده است و این کار از روی

نوشته‌های برجا مانده از چهار گورو قبلی که نام‌های آنها قبلاً بیان شد، جمع‌آوری گردیده و نوشته‌های خود را نیز ضمیمه‌ی آن ساخته است. البته گوروها «آموزگاران» بعدی نیز مطالبی را بر آن افزوده‌اند.

مولفین آدی گرانت جمعاً سی و هفت نفر می‌باشند و در این کتاب از شش زبان رایج شبه قاره‌ی هند استفاده به عمل آمده است که عبارت از زبان‌های پنجابی، مولتانسی، دری، پراگریت، هندو و مارا تهی می‌باشد و از زبانهای مختلف محلی دیگر نیز در آن بکار برده شده است.

پیروان این کتاب شدیداً به آن احترام می‌کنند و در معابد به شیوه‌ی احترام و تکریم می‌کنند که گویی یک وجود مشخص الهی است.

کتاب مقدس سیکها دارای سروده‌های فراوان است که از جمله آن همه یک این سرود می‌باشد که بیان نزدیک اعتقادی سیکها را با مسلمانان می‌کند:

قاره هندوستان دارد و از آنجا به جاهای دیگر انتشار یافته است.

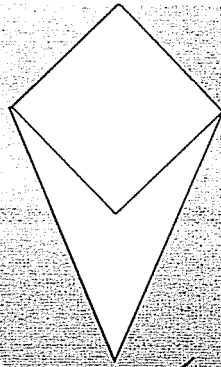
اعتقاد اصلی و جدی آیین هندو به یک وجود الهی به نام برهما است که حضور مطلق داشته و غیر مشخص است. که در ورا تمام حجاب‌های اخلاقی و متافیزیکی قرار دارد.

کتاب مقدس آیین هند به نام «ودا» خوانده می‌شود که از چندین ودا تشکیل شده است. ودا به معنی دانش می‌باشد. مکاتب مختلف هندو هر کدام برای خود وداهای مختلف دارند و چهار ودا، از جمله قدیمی‌ترین آنها است که به نام‌های ریک ودا، جور ودا، آتار ودا، و ساما ودا خوانده می‌شوند. در بین این چهار ودا، ریک ودا از همه قدیمی‌تر است و پیروانش معتقدند که ریک ودا قبل از آغاز جهان خلق شده است ولی متخصصین اروپایی معتقدند که قدامت آن از یک هزار سال تا به دوهزار سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد.

از متون چهارگانه فوق بدست می‌آید که آیین هندو بیشتر مبتنی بر طبیعت پرستی مثل ستایش آسمان و زمین، باد و باران، طلوع خورشید و آتش و هوا و غیره می‌باشد که در کتب ودا انعکاس یافته است.

یکی از خصوصیات بارز آیین هندو و تعلیم طبقاتی آن است که به نام کاست خوانده می‌شود و در تعلیم آن از قول برهما آمده است:

«چهار طبقه‌ی اجتماعی را من آفریده‌ام» در این نظام روحانیون و رهبران مذهبی بالاترین طبقه را تشکیل می‌دهند و پایین‌ترین آنها طبقه‌ی سودارا می‌باشند که خوارترین طبقه‌ی جامعه به شمار می‌روند و در باره‌ی آنها گفته شده است که نه خداوند و نه



«تنها یک فدای واهد

و بود دارد که نام او

حق فائق مبرای از

ترس و دشمنی، فنا

ناپذیر، زائیده نشده،

قائم بذات، عظیم و

سفاوتمند است فدای

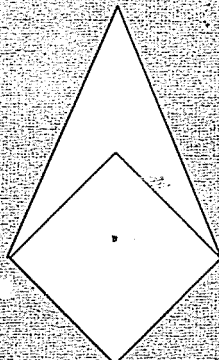
واهد حقیقی در آغاز

و بود داشته است،

فدای واهد همواره

بوده، هست و فواهد

بوده»



«برادران من اندیشه در باره‌ی ذات باریتعالی تنها آیین و تشریفات مذهبی است. ص ۳۳۵
در جای دیگر همین کتاب آورده شده است:

«بالاترین وظیفه‌ما تکرار نام خداوند یکتا است. ص ۲۳۴

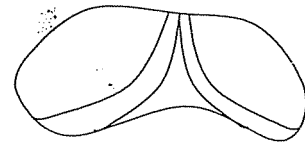
قربانی کردن که در اکثر آیین جهان توصیه شده است، در آیین سیک وجود ندارد و به نظر می‌رسد که آن را از آیین بودایی گرفته باشد که قتل ذی‌رح در آن به شدت منع شده است.

آیین سیک با آیین اسلام در بسیاری از موارد تشابهات و مشترکات باوری نزدیک دارد که می‌توان گفت آن تعالیم و باورها را از اسلام اتخاذ کرده است. از جمله نکات تشابه آن با آیین اسلام قرار ذیل می‌باشد.

وحدت خداوند متعال

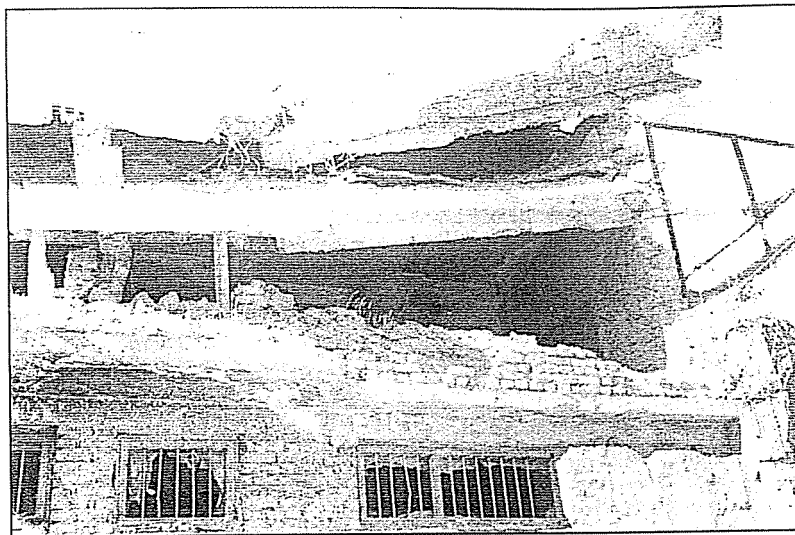
کسب نجات و رستگاری از طریق تسلیم به اراده‌ی خدا
احترام زیاد به بنیانگذار مذهب خود به عنوان پیامبر الهی
احترام فوق‌العاده به کتاب مقدس خود

نفی سرسختانه بت پرستی



آیین هندو

آیین هندو آیینی است که ۱۵۰۰ سال تا ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح قدامت تاریخی دارد و کهن‌ترین آیین دنیا است. این آیین نیز مانند آیین سیک، اختصاص به سرزمین پهناور شبه



نمایی از معبد تخریب شده‌ی سیک‌ها در کابل

موضع تفصیل و برتری دایمی قرار دارند. بر هر فرد نقض عملی مقررات طبقاتی غیب و گناه محسوب می‌شود و در غیر آن گناه واقعی در آیین هندو وجود ندارد. و در کتاب مانو کتک زدن همسر تحت محدودیت‌های خاص مجاز شمرده شده است که این تعلیم در کتاب مقدس اسلام یعنی قرآن نیز آمده و در سوره‌ی نساء آیه‌ی ۳۴ چنین آورده شده است: «... و اضربوهن فان اطعنکم فلا تبعوا علیهن سییلا...» به هر حال آیین هندو با وجود که مشابهت‌هایی به آیین‌های دیگر دارد ولی آیینی است که از نظر مسایل اجتماعی و عبادی با ادیان دیگر تفاوت‌های بسیار جدی را دارا می‌باشد که مقایسه‌ی آن از حوصله‌ی این سطور بدور است.



تأکید داشته و از همین لحاظ احترام خاص به آن داده می‌شود در این کتاب مسایل اخلاقی که تعلیم داده شده است بعداً در آیین اسلام و مسیحیت نیز آمده است از قبیل احترام و اطاعت از پدر و مادر و معلمین، توبه و اقرار به گناه، و صداقت و راستی تحمل و برد باری در مقابل مصائب و بلا و غیره...

در مانو نظام طبقاتی چهارگانه

آیین هندو برخلاف ادیان دیگر اعتقاد بر بهشت و دوزخ ندارد و بلکه اعتقاد بر تناسخ دارد که یک فرد اگر کارهای نیک را انجام داد پس از مرگ دو باره به طبقه‌ی بالاتر بوجود می‌آید و در غیر آن به طبقه‌ی پایین تر تنزل می‌کند.

کاست به تفصیل شرح داده شده است و طبقه‌ی روحانیون به لحاظ تولدش که در طبقه‌ی بالا آفریده شده است، تجسم عالی خداست در

روحانیون به آنها صحبت می‌کنند و این طبقه که به نام نجس‌ها شهرت دارند بنابر نوشته‌ی تیمور لنگ جهان گشای مشهور مغول عده‌ی از آنان به سپاه تیمور پیوسته و بدست او مسلمان شده و توسط آن در مناطق اطراف کویته بلوچستان فعلی اسکان داده شده است.

در قرن چهارم و پانزدهم میلادی ماندا را می‌خواست که اصلاحاتی را در این زمینه بوجود آورد فاصله‌ی طبقاتی را کاهش دهد و شعاری را در باره‌ی این مسئله مطرح نمود و شعار وی چنین بود: «بگذار هیچکس از طبقه یا فرقه‌ی کسی سوال نکند هر کس خدا را می‌پرسد بر خدا تعلق دارند»

در آیین هندو از جمله تعالیم که قابل توجه است این است که خوردن گوشت گاه و غذا خوردن زن در کنار شوهر منع گردیده است.

آیین هندو برخلاف ادیان دیگر اعتقاد بر بهشت و دوزخ ندارد و بلکه اعتقاد بر تناسخ دارد که یک فرد اگر کارهای نیک را انجام داد پس از مرگ دو باره به طبقه‌ی بالاتر بوجود می‌آید و

در غیر آن به طبقه‌ی پایین تر تنزل می‌کند.

در آیین هندو بنا بر تعالیم برهما نجات و رستگاری عمدتاً از طریق قربانی کردن بدست روحانیون برهمن کسب می‌شود. و مهمترین قربانی، قربانی اسب است که مراسم آن یک سال را دربر می‌گیرد.

سعادت و رستگاری

کتاب قانون مانو از میان کتب آیین هندو از همه بیشتر روی مسایل اخلاقی

مصلحت اندیشی سیاسی

آستی ملی یا

نعمت الله ابراهیمی

کمیسیون حقوق بشر که از حمایت ملل متحد و جامعه‌ی جهانی نیز برخوردار است به هدف تأمین صلح و ثبات دوامدار در کشور از طریق رسیدگی به جنایات گذشته، به شمول جنایات دوران حاکمیت طالبان، و تثبیت حقایق تاریخ سه دهه اخیر جنگ و خشونت در کشور طرح و تهیه گردیده است و بیشتر بر این نظر استوار است که تأمین صلح دوامدار در کشور بدون تأمین عدالت ناممکن است.

مجریان و طرح کنندگان این مذاکرات که در یک سال اخیر جریان داشته است بر این باورند که تفکیک میان طالبان میانه رو و طالبان افراطی و آستی و سازش با طالبان میانه رو تنها راه بیرون رفت از معضل مقاومت دوامدار مسلحانه بقابای این گروه در جنوب و شرق کشور است. حامد کرزی که خود از این طرح حمایت و پشتیبانی می‌نماید بارها گفته است که تنها صد تا صد و پنجاه

هر یک از این دو جریان به شکل مستقل و جداگانه و با اهداف متفاوت تعقیب می‌گردد. مصالحه با طالبان به دلایل سیاسی، امنیتی و نظامی و از کانال‌های سری و غیر علنی و گاهی دیپلماتیک در جریان است و دارای اهداف کوتاه مدت و مصلحت اندیشانه نظامی-سیاسی می‌باشند. این جریان بیشتر توسط خارجی‌ها و بدون اشتراک مردم افغانستان و قربانیان جرایم به پیش برده می‌شود. گفته می‌شود که در این روزها یک تعداد از سران رژیم سابق طالبان در کابل مشغول مذاکرات با مقامات دولت افغانستان و سفارت آمریکا می‌باشند و بزودی نتایج این مذاکرات که عبارت از بخشودگی سوابق جنایی این افراد، به رسمیت شناختن دولت افغانستان و دست کشیدن از مقاومت مسلحانه توسط آنها می‌باشند در اختیار عموم قرار خواهند گرفت. و حال آنکه استراتژی پیشنهاد شده توسط

در روزها و هفته‌های اخیر دو گونه تلاش از دو نقطه نظر و به ظاهر تحت عنوان "آستی ملی" در افغانستان بیشتر از پیش شدت یافته است. چندی پیش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نتایج مشورت‌ها و نظر سنجی‌های عمومی خود را در مورد کیفیت و میکانیزم رسیدگی به جرایم گذشته کشور تحت عنوان "صدای مردم برای تأمین عدالت" به نشر سپرد. استراتژی ملی که توسط کمیسیون حقوق بشر و براساس نظریات مردم افغانستان تهیه گردیده است شامل تشکیل محکمه‌ی اختصاصی برای رسیدگی به جنایات شدید گذشته، پرداخت خسارت به قربانیان، برکناری متهمان از مقام‌های حکومتی، اصلاحات اداری و تثبیت حقایق می‌باشد. همزمان زلمی خلیل زاد سفیر و نماینده ایالات متحده در افغانستان از پیشرفت در روند مصالحه‌ی ملی با رهبران عمده‌ی طالبان خبر داد و اعلان نمود که تعدادی از مقامات بلند پایه‌ی طالبان در برابر مصونیت پیشنهاد شده از سوی دولت افغانستان و آمریکا دست از مقاومت مسلحانه برداشته به زندگی ملکی بر می‌گردند.

تاریخ سه دهه اخیر افغانستان به عبارتی تاریخ جنایات، فجایع و قتل‌کشی‌های وسیع بوده است و گذار افغانستان بسوی یک جامعه‌ی صلح آمیز، عادلانه و دموکراتیک بدون بازنگری این تاریخ و مد اقل تثبیت حقایق آن ناممکن می‌نماید

تن از اعضاء طالبان که دست شان به خون مردم آلوده است مورد عفو قرار نمی گیرند. لیکن هیچ گاه به مردم توضیح نداده است که وی چگونه بدون طی کدام گونه روند شفاف عدلی و قضایی و بدون هیچ نوع مشوره با مردم افغانستان و قربانیان جنایات فجیع طالبان به چنین نتیجه ای مشخص و حساب شده رسیده است.

اما گذشت زمان ثابت ساخته است که طرح تفکیک طالبان میانه رو از طالبان افراطی یک طرح ناکام و نابخردانه بوده است. اول بدلیل اینکه طالبان بیشتر یک حرکت خارجی

میانه رو چگونه در تأمین صلح و ثبات در افغانستان کمک خواهدکرد هم چنان بی پاسخ باقی می ماند.

تاریخ سه دهه اخیر افغانستان به عبارتی تاریخ جنایات، فجایع و حق کشی های وسیع بوده است و گذار افغانستان بسوی یک جامعه ی صلح آمیز، مدنی و دموکراتیک بدون بازنگری این تاریخ وحد اقل تثبیت حقایق آن نا ممکن می نماید. لیکن دولت مردان افغانستان و همکاران بین المللی آن در سه سال اخیر بر این باور بوده اند که مرور بر گذشته و به عدالت کشانیدن مجرمین روند شکننده ی صلح و ثبات در کشور را

جریان هایی سیاسی و فکری را که در ایجاد و تداوم فاجعه افغانستان نقش داشته اند برای نسل های بعد معرفی نماید. افکار و جریان های سیاسی، قومی و مذهبی که مانند طالبان مرتکب جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و نسل کشی شده اند یابه تشویق و توجیه این گونه اعمال ضد انسانی پرداخته اند باید غیر قانونی اعلام گردد و هر نوع وابستگی و حمایت از آن جرم محسوب گردد. چه آنکه اگر ما امروز اندیشه ها و جریاناتی را که مرتکبین یا توجیه کننده ی بدترین جنایات بوده اند، تقبیح نکنیم فردا به سراغ ما باز

افکار و جریان های سیاسی، قومی و مذهبی که مانند طالبان مرتکب جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و نسل کشی شده اند یابه تشویق و توجیه این گونه اعمال ضد انسانی پرداخته اند باید غیر قانونی اعلام گردد و هر نوع وابستگی و حمایت از آن جرم محسوب گردد

بوده و از آنسوی مرزهای افغانستان آب می خورد و بنابراین یک طرح خالصاً داخلی و سازش جویانه تا زمانی که حامیان خارجی طالبان منافع خود را در بی ثباتی افغانستان ببینند نمی توانند ره گشا باشد. دوم اینکه کسانی که طالبان میانه رو خوانده می شوند بعد از سقوط طالبان مورد هیچ گونه پیگرد و تعقیب قرار نگرفته اند. یک تعداد از آنها در حال حاضر در موقوف های عمده دولتی در سطح ولایت قرار دارند. و آن عده از طالبان که شورش های مسلحانه را رهبری و سازماندهی می کنند بدلیل سوابق جنایی و رفتاری خود نمی توانند به زندگی عادی برگردند و مورد پذیرش مردم قرار بگیرند. و این پرسش اصلی که سازش با طالبان

به خطر می اندازد. لیکن گذشت زمان و نتایج نظر سنجی کمیسیون مستقل حقوق بشر نشان داد که صلح و ثبات دوامدار در کشور بدون تأمین عدالت و رسیدگی به جنایات گذشته نا ممکن است.

تثبیت حقایق تاریخ جنگ و خشونت در افغانستان می تواند در اعمار صلح پایدار و توسعه همبستگی و وحدت ملتی کشور بطور قابل ملاحظه ی کمک نماید. چه آنکه تثبیت حقایق در طی یک روند شفاف ملی می تواند برداشتها و خاطرات کنونی جمعیت قومی و تنظیمی از جنگ و عوامل و بازیگران آنرا که بخودی خود می تواند زمینه ساز تداوم و بازگشت خصومت های قومی و درون گروهی باشد بزدايد و افکار و

خواهد آمد. و گذشته از همه سراغ افراد میانه رو در میان کسانی که در مقامات رهبری یکی از خشن ترین و جانی ترین رژیم های جهان بوده است. به هیچ صورت قناعت مردم افغانستان و بخصوص قربانیان جنایات این رژیم را تأمین نخواهد کرد.

بنا بر این رسیدگی به جنایات گذشته و عدالت انتقالی یک ضرورت مبرم است لیکن هر گونه رسیدگی به گذشته باید طی یک پروسه شفاف عدلی و آشتی گرایانه ملی و با اشتراک مردم افغانستان، بخصوص قربانیان، و عاری از هرگونه مصالح کوتاه مدت سیاسی، نظامی و امنیتی صورت بگیرد.



زنان از جمله قربانیانی هستند که در منازعات‌های مسلحانه سیاسی و اجتماعی همیشه قربانی گردیده و مورد بی حرمتی و ستمگری قرار گرفته‌اند و هیچ مرجع ذیصلاح ملی و بین‌المللی تا هم اکنون آنطوریکه عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند به آن رسیدگی نکرده است اما با تأسیس محکمه‌ی جزایی بین‌المللی این امید بوجود آمده است که شاید جهان بشریت دیگر وحشیگریهایی را که علیه بشریت بدست جنایت‌کاران صورت می‌گیرند بدون پاسخ نگذاشته و جنایت کاران را به کیفر اعمال شان برساند.

اینک «تأمین عدالت برای زنان در محکمه جزایی بین‌المللی» که توسط عفو بین‌المللی به صورت سوال و جواب ارائه و تکثیر شده است، برای علاقمندان و خوانندگان «قربانیان عدالت» ترجمه و تقدیم می‌داریم.



نام پدر شناخته می‌شود؛ تجاوز جنسی به یک قربانی که باعث حاملگی وی گردد، قربانی را از داشتن فرزندی که غیر از قبیله یا گروه اوست باز می‌دارد.

چه نوع جرایم علیه بشریت مخصوصاً به زنان ربط دارد؟

کنوانسیون ۱۹۴۸ از آنها حمایت به عمل آمده، نیستند این کنوانسیون برای جلوگیری و جزادادن جرم قتل عام (کنوانسیون قتل عام) می‌باشد، نوع حملات علیه زنان در یکی از چهار گروه حمایت شده (ملی، ایتنکی، نژادی و مذهبی) با مقاصد از بین بردن گروه، به طور کامل یا بخش آن، قتل عام به شمار می‌آید.

در سال ۱۹۹۸ روی داد تاریخی قضاوت محاکمه Akayesu در محکمه جرایم بین‌المللی برای رواندا دایر گردید که وقتی تجاوز به عفت یک شیوه باشد که گروهی تحت حمایت را با ایجاد ضربات جسمی و روحی از بین ببرد، در قانون این یک عمل قتل عام به حساب می‌آید. به علاوه که تجاوز به عفت می‌تواند به حیث شیوه جلوگیری از تولدات، از یک نسل استفاده شده باشد. بطور مثال در مجامعی که طفل به

چه نوع جرایم علیه زنان صورت بگیرد که محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC می‌تواند با آن رسیدگی کند؟

مطابق قانون، اختیاراتی که به ICC داده شده است تحقیق در مورد قتل عام، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی می‌باشد. گرچه زنان و مردان هر دو می‌توانند قربانی چنین جرایم باشند. بعضی از آنها مانند حاملگی اجباری فقط می‌تواند در مقابل زنان صورت گیرد. و جرایم دیگر بطور غیر مناسب بر علیه زنان می‌باشد.

آیا خشونت علیه زنان می‌تواند در زمره‌ی قتل عام به شمار آید؟

خشونت علیه زنان می‌تواند بحث جنایت نسل کشی استعمال شود. اگر چه زنان یکی از چهار گروه که در

تأمین عدالت برای
زنان در محکمه جزایی
بین‌المللی

حمایت به عمل می‌آید. اعضای این بخش باید متخصصین در آسیب شناسی بوده به شمول ضرباتی که در جرایم خشونت‌های جنسی ارتباط دارد.

آیا ICC مکلفیت دارد تا از قربانیان زن و گواهی دهندگان حفاظت کند؟

یکی از مشکلات که در تعقیب قانونی اشخاص متهم به جنایت بزرگ بر علیه زنان وجود دارد این است که بعضی از زنانی که متحمل چنین خشونت‌ها گردیده‌اند تمایلی برای آمدن و امتحان کردن این پروسه نشان نمی‌دهند. قسم که ماده ۶۸ (۱) تقاضا دارد که ICC معیارهای مناسبی را برای حفاظت از مصونیت جسمی و روحی در مورد خشونت‌های جنسیتی و جنسی توجه نموده. این باید به تمام فکتورها به شمول عمر، جنسیت، صحت و نوع جرم، حتی اگر یک خشونت جنسیتی باشد. چنین معیارهایی نمی‌تواند که زیان آور و مطابق به حقوق متهم و محاکمه مستقل و منصفانه باشد.

چگونه زنان قربانی و شاهدان، محافظت خواهند شد؟

مطابق فقره‌ی (۲) ماده ۶۸ مجلس پیش از محاکمه، مجلس محاکمه و مجلس استیناف به صورت یک استثناء از اصل استماعیه علنی، به هدف محافظت از قربانیان، شاهدان یا متهمین می‌تواند بخشهایی از جریان محاکمات را از طریق کامره عکاسی اجرا نمایند یا ارائه شواهد را از طریق پست الکترونیکی یا کدام راه ویژه‌ی دیگری اجازه دهند. این اقدامات بخصوص در قضایای قربانیان خشونت‌های جنسی با در نظر داشت همه‌ی ابعاد قضیه به شمول نظریات قربانیان شاهدان اتخاذ خواهد گردید.

طبق ماده ۴۴ (۲) از وکلا و ثبت کنندگان، تقاضا گردیده است تقرر کارمندان برای تامین معیارهای عالی با اهلیت و کفایت تمام و داشتن معیارهای انتخاب قضات، که شامل نمایندگی مساوی از زنان و مردان می‌شود، برای متخصصین در مسایل، به شمول خشونت علیه زنان می‌باشد. این تقاضا نامه مخصوصاً برای وکلای زن مهم است، زیرا آنها مسئولیت انتخاب تقرر مفتشین را به عهده داشته و باید تجارب کافی در مورد جمع آوری شواهد موثر و حساس در مسایل خشونت علیه زنان را داشته باشند.

آیا در ICC دفتری وجود خواهد داشت تا از ضرورت‌های زنان بپرسد؟

در ماده ۴۳ (۶) درخواست گردیده است که یک بخش رجستری برای قربانیان و شاهدان تأسیس نماید تا به وکلای ICC مشوره‌های ثبت شده را برسانند. مخصوصاً که چنین مشوره شامل معیارهای مناسب حفاظتی ترتیبات امنیتی، را فراهم نموده و مشوره و امداد را برای قربانیان، که بیشتر آنها زنان خواهند بود در محضر ICC حاضر می‌گردند. و کسان دیگر که بخاطر شهادت دادن، در خطر می‌باشند از آنها

ماده ۷ (۱) (ج) تجاوز به عفت، غلامی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری عقیم سازی اجباری و دیگر انواع خشونت‌های جنسی را مساوی با جرایم علیه بشریت می‌شناسد. بر علاوه در ماده ۷ (۱) (ج) تذکر یافته است که دولت‌ها باید برای تعقیب قانونی علیه آن گروه‌ها یا جمعیت‌هایی که در مسایل جنسیت، در میان دیگران، با دیگر جرایم مرتکب شده در ارتباط باشد طبق مقررات ICC این نیز جرم علیه بشریت محسوب می‌گردد.

این جرایم به شکل گسترده و سیستماتیک مستقیماً بالای جماعت‌های ملکی (غیر نظامی) دستور داده شده و مطابق سیاست دولتی یا سازمانی بوده باشد که مرتکب چنین حملات گردیده است شامل معیارهای حملات نظامی نمی‌گردند، می‌تواند شامل قانون (مقررات) بخش (۴) گردد.

آیا قانون جرایم جنگی رابطه‌ی مخصوصی به زنان دارد؟

ماده ۸ متذکر می‌گردد اعمال انفرادی تجاوز جنسی، غلامی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری، عقیم سازی اجباری و انواع دیگر خشونت‌ها جنسی، تخطی آشکار از ماده ۳ کنوانسیون عمومی جینوا در سال ۱۹۴۹ بوده و می‌تواند یکی از جرایم جنگی تلقی گردد. اگر آنها در جریان جنگ مسلحانه ملی یا بین‌الملل اتفاق افتد. نوعیت این جرایم جنگی عموماً مانند جرایم علیه بشریت و خشونت جنسی می‌باشد.

زنان در ICC چه نقشی را بازی خواهند کرد؟



اعلامیه حقوق اقلیت‌ها

مصوبه قطعنامه ۱۳۵ - ۴۷ هیجدهم دسامبر ۱۹۹۶

ترجمه: ح. حبیب

روانی قانون، به استحکام دوستی و همکاری در میان افراد یک دولت مساعدت خواهد ورزید. با در نظر داشت این که سازمان ملل یک نقش مهم دارد از حقوق اقلیت‌ها دفاع کند.

با توجه به اینکه کارهایی که هنوز در سیستم سازمان ملل انجام یافته بالاخص توسط کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون فرعی منع تبعیضات و حمایت از اقلیت‌ها تشکیلات که به ادامه میثاق‌های بین‌المللی تأسیس گردیده و سایر دستگاه‌ها مربوط حقوق بشر بین‌الملل جهت پیشبرد و حمایت از حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها ملی، نژادی مذهبی و زبانی.

با شناخت از ضرورت به خاطر تثبیت تطبیق کامل هر چه بیشتر دستگاه‌ها حقوق بشر جهانی با توجه به حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها ملی، نژادی، مذهبی و یا زبانی، اعلامیه هذا را مبنی بر حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، نژادی، مذهبی و یا زبانی، اعلامیه هذا را مبنی بر حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، نژادی، مذهبی و یا زبانی اعلام می‌دارد.

ماده اول

۱. دولت‌ها باید از حیات و از هویت ملی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و زبانی اقلیت‌ها در محدوده‌ی جغرافیایی خود حمایت به عمل آورده و زمینه‌های رشد هویت آن را فراهم آورد.

۲. دول باید اقدامات مناسب قانونگذاری و سایر تدابیر لازم را به خاطر دست‌یازی به آن مقاصد روی دست گیرد.

ماده دوم

۱. افراد متعلق به اقلیت‌های ملی و یا نژادی (که از این به بعد متعلق به اقلیت‌ها خواهند شد) دارای این حق هستند که از فرهنگ خود بهره‌مند باشند، مذهب خود را پیروی و عبادت نمایند، به زبان خود، در خصوص و انظار عام، آزادانه و بدون موانع و مداخلت هیچ نوع تبعیض تکلم نمایند.

اعلامیه حقوق افراد وابسته به اقلیت‌های ملی یا نژادی مذهبی و یا زبانی مصوبه قطعنامه ۱۳۵ - ۴۷ هیجدهم دسامبر ۱۹۹۶ شورای عمومی سازمان ملل

با تأکید مجدد به یکی از اهداف اساسی سازمان ملل متحد بدان گونه که در منشور آن بیان گردیده است، که ترویج و تبلیغ احترام به حقوق بشر و آزادی‌های حیاتی برای عموم بدون تمایزات نژادی، جنسی، زبانی و یا مذهبی می‌باشد. با تأیید مجدد بر اعتقادمان مبنی بر مبادی اولیه حقوق بشر، حریت و ارزش افراد انسانی، تساوی حقوق زن و مرد و ملیت‌ها چه خورد و چه بزرگ.

با خواست ترویج درک و برداشت از اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون منع و مجازات جنایات نسل‌کشی، کنوانسیون بین‌المللی محو تمام انواع تبعیضات نژادی، میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه محو تمام انواع تحمیل تبعیضات بر اساس عقیده و مذهب، کنوانسیون حقوق اطفال و علاوه بر آن سایر اسنادی که در مقیاس جهانی و یا منطقوی پذیرفته شده و یا آنانی که میان دولت‌های عضو سازمان ملل منعقد گردیده است.

با الهام از مفاد ماده ۷۲ میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و ساسی مربوط به حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها نژادی، مذهبی و یا زبانی.

با در نظر داشت اینکه ترویج و حمایت از حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های نژادی و مذهبی به ثبات سیاسی اجتماعی دولت‌هایی که در آن به سر می‌برند، خدمت می‌کند.

با اصرار بر اینکه ترویج مداوم و درک حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها ملی، نژادی، مذهبی و یا زبانی، من حیث یک بخش تکمیلی به خدمت و رشد یک جامعه در کل و همچنین در حیطه یک چهار چوکات دموکراتیک استوار است به حکم

باید زمینه‌های کافی برای فراگیری دانش از جامعه در کل را داشته باشد.

۱۴. دول باید اقدامات موثر را به منظور آن که افراد اقلیت‌ها را بتوانند در حیات اقتصادی و رشد جامعه کاملاً سهم داشته باشند، فراهم نماید.

ماده‌ی پنجم

۱. پالیسی و پروگرام‌ها ملی با عطف توجه به منافع مشروع افراد اقلیت‌ها باید برنامه ریزی گردد.

۲. برنامه‌های همکاری و مساعدت در میان دولت باید با عطف توجه به منافع مشروع افراد اقلیت‌ها برنامه ریزی و تطبیق گردد.

ماده‌ی ششم

دولت‌ها باید در میان چیزهای دیگر به منظور ارتقای تفاهم و اعتماد متقابل بر سر مسئله‌ی مربوط، به افراد اقلیت‌ها به تبادل تجارت و معلومات بپردازند.

ماده‌ی هفتم

دول باید به منظور ترویج احترام به حقوق مندرج در اعلامیه‌ها، با همدیگر همکاری نمایند.

ماده‌ی هشتم

۱. هیچ یک از مواد اعلامیه‌ها، نباید دول را از آزادی تعهدات بین‌المللی‌شان در رابطه با حقوق افراد اقلیت‌ها باز دارد و مشخصاً دول باید با ایمن قاطع فرایض و تعهدات‌شان را که در میثاق‌ها و توافقنامه‌های بین‌المللی که خود اعضای امضاء کننده‌ی آن می‌باشند، به انجام رسانند.

۲. مفادات حقوق مندرج در اعلامیه‌ی‌ها، نباید باعث تبعیض از مستفید شدن تمام افراد از حقوق بشری به رسمیت شناخته شده‌ی جهانی و آزادی‌های حیاتی گردد.

۳. اقدامات اتخاذ شده‌ی دول به منظور کارآیی مؤثر حقوق مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مد نظر گرفته شود.

۴. هیچ یک از مواد اعلامیه‌ها، منجبت مجوز ممکن برعکس فعالیت‌ها، مقاصد و اصول سازمان ملل متحد، حق تمامیت ارضی دول، حق حاکمیت برابرا نه دول و عدم وابستگی سیاسی دول قابل تعبیر و تفسیر نیست.

ماده‌ی نهم

نماینده‌ی‌های اختصاصی و سایر سازمان‌های سیستم سازمان ملل در محدوده‌ی فعالیت ویژه‌ی خود باید به فهماندن حقوق و اصول مندرج در اعلامیه‌ها، سعی کامل نمایند.

۲. افراد اقلیت‌ها حق دارند که در حیات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی سهم فعالانه و موثر بگیرند.

۳. افراد اقلیت‌ها حق دارند که در تضامیم که در مقیاس ملی در صورت مناسب در مقیاس منطقی که اقلیت‌ها بدان تعلق دارند و یا در ساحه‌ی که آنان به سر می‌برند، طوری که با قوانین کشوری مغایرت نداشته باشد فعالانه شرکت نمایند.

۴. افراد اقلیت‌ها حق دارند که اتحادیه‌ی خودشان را تأسیس و حفظ نمایند.

۵. افراد اقلیت‌ها حق دارند که بدون کدام تبعیض، آزادانه و مسالمت جویانه تماس با اعضای دیگر جماعت‌ها و یا افراد وابسته به اقلیت‌های دیگر و هم چنان تماس خارج مرزی با شهروندان کشورهای دیگر که با آنان توسط روابط ملی، مذهبی و یا زبانی وابسته‌اند داشته باشند.

ماده‌ی سوم

۱. افراد اقلیت‌ها می‌توانند از حقوق‌شان، به شمول آنچه در اعلامیه‌ها پیش بینی گردیده، انفرادی و هم چنان جمعی با اعضای دیگر جماعت خود بدون کدام تبعیض استفاده نمایند.

۲. هیچ صدمه‌ای برای هیچ‌کدام فرد متعلق به اقلیت‌ها در نتیجه عواقب کار برد و عدم کار برد حقوق مندرج در این اعلامیه متصور نیست.

ماده‌ی چهارم

۱. دول باید تدابیر لازم را تا آنجا که لازم باشد برای تضمین افراد اقلیت‌ها برای استفاده کامل و موثر از تمام حقوق بشری و آزادی‌ها اساسی‌شان بدون هیچ تبعیض و با تساوی کامل در پیش قانون فراهم آورد.

۲. دول باید تدابیر برای خلق شرایط مساعد فراهم آورد تا افراد اقلیت‌ها بتوانند شخصیت‌شان را تبارز دهند و فرهنگ، زبان، مذهب و عنعنات و رسوم‌شان را رشد دهند، به استثنای آن جاهایی که اعمال مشخص نقض قوانین ملی و کشوری به شمار روز و یا بزر ضدیت با معیارهای بین‌الملل قرار داشته باشد.

۳. دول باید تدابیر لازمه‌ای را تا آن جایی که ممکن باشد به منظور آن که افراد اقلیت‌ها زمینه‌های کافی برای آموزش به زبان مادری خود و یا راهنمایی‌هایی به زبان مادری خود داشته باشند، روی دست گیرد.

۱۳. دول باید تا آنجایی که ممکن باشد تدابیری در عرصه تعلیم و تربیت به منظور ارتقاء دانش معلومات از تاریخ، عنعنات، زبان و فرهنگ اقلیت‌های باشند در محدوده‌ی جغرافیای خود روی دست گیرد. افراد اقلیت‌ها



روم

اصولنامه‌ی

گزیده‌های از

به ادامه‌ی گذشته

مطمح نظر است، محدود کند یا به آن لطمه بزند. صلاحیت دیوان را بر طبق بند ۳ پذیرفته باشند.

الف: دولتی که در قلمرو آن [جرم] فعل یا ترک فعل مورد نظر روی داده یا در صورتی که آن جنایت در کشتی یا هواپیما ارتکاب یافته، دولتی که آن کشتی یا هواپیما در آن به ثبت رسیده است.

ب: دولتی که شخص مورد تحقیق یا تعقیب تبعه آن است.

۳- چنانچه پذیرش [اعمال صلاحیت دیوان توسط] دولتی که عضو اساسنامه نیست به موجب بند ۲ مورد نیاز باشد، آن دولت می تواند با سپردن اعلامیه ای نزد رئیس دبیرخانه اعمال صلاحیت دیوان را نسبت به جنایت مورد نظر بپذیرد. دولت پذیرنده به موجب فصل ۹ باید بدون هیچگونه تأخیر یا استثناء با دیوان همکاری نماید.

ماده ۱۳

اعمال صلاحیت

دیوان می تواند مطابق مقررات این اساسنامه صلاحیت خود را نسبت به جنایات مذکور در ماده (۵) اعمال نماید، چنانچه:

مطمح نظر است، محدود کند یا به آن لطمه بزند.

ماده ۱۱

صلاحیت از حیث زمان

۱- دیوان تنها نسبت به جرائمی صلاحیت دارد که بعد از لازم الاجرا شدن این اساسنامه ارتکاب یافته باشد.

۲- اگر دولتی پس از لازم الاجرا شدن این اساسنامه عضو آن شود، دیوان فقط نسبت به جنایاتی اعمال صلاحیت می کند که پس از لازم الاجرا شدن اساسنامه در مورد آن دولت ارتکاب یافته باشد. مگر آنکه دولت اعلامیه ای به موجب بند ۳۲ ماده ۱۲ [مبنی بر پذیرش اعمال صلاحیت دیوان] داده باشد.

ماده ۱۲

پیش شرطهای اعمال صلاحیت

۱- دولتی که عضو این اساسنامه می شود، بدان وسیله صلاحیت دیوان را نسبت به جنایات مذکور در ماده ۵ می پذیرد.

۲- در حالت ماده ۱۳، بند الف یا ج، دیوان در صورتی می تواند صلاحیت خود را اعمال نماید که حداقل یکی از

ماده ۹

عناصر تشکیل دهنده‌ی جرائم

۱- عناصر تشکیل دهنده‌ی جرائم در تفسیر و تطبیق مواد ۶ و ۷ و ۸ به دیوان کمک خواهد کرد. این عناصر باید به تصویب اکثریت دو سوم اعضای مجمع دولتهای عضو برسد؛

۲- اصلاحیه‌های پیشنهادی بر عناصر جرائم ممکن است به وسیله‌ی:

الف: هر دولت عضو

ب: اکثریت مطلق قضات

ج: دادستان

پیشنهاد شود.

این اصلاحیه‌ها لازم است به تصویب اکثریت دو سوم اعضای مجمع دولتهای عضو برسد.

۳- عناصر جرم و اصلاحیه های آن نباید مغایر با این اساسنامه باشد.

ماده ۱۰

هیچ یک از مواد این فصل از اساسنامه به هیچوجه نایست به نحوی تفسیر شود که قواعد موجود یا در حال تشکیل حقوق بین الملل را که برای مقاصد دیگری غیر از این اساسنامه

ماده ۱۶

تعليق تحقيق يا تعقيب

پس از صدور قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد (مبنی بر درخواست تعليق تحقيق يا تعقيب) هيچ تحقيق يا تعقيبى به موجب اساسنامه نمی تواند به مدت ۱۲ ماه شروع شود يا ادامه يابد، اين درخواست به موجب همان شرايط قابل تجديد توسط شورای امنیت می باشد.

ماده ۱۷

مسائل مربوط به قابليت

رسيدگى

۱- با توجه به بند ۴ و ماده ۱ ديوان تصميم خواهد گرفت که در موارد ذيل موضوعی [توسط ديوان] غير قابل رسيدگى است:
الف: آن موضوع توسط دولتى که بر آن صلاحيت دارد در دست تحقيق يا تعقيب است. مگر آن که آن دولت حقيقتاً مایل يا قادر به اجرائى تحقيق يا تعقيب نباشد.

ب: در مورد آن موضوع توسط دولتى که بر آن صلاحيت دارد تحقيق به عمل آمده و آن دولت تصميم گرفته است که شخص مورد نظر را تحت پيگرد قرار ندهد، مگر آن که آن تصميم ناشى از عدم تمايل يا عدم توانايى آن دولت بر پيگرى باشد.

ج: شخص مورد نظر قبلاً به خاطر رفتارى که موضوع شکايت است، محاکمه شده است و محاکمه توسط ديوان به موجب بند ۳ ماده ۲۰ مجاز نيست.

د: موضوع از چنان اهميتى که اقدام ديگرى از سوى ديوان را توجيه کند، برخوردار نيست.

۲- به منظور تصميم گيرى در مورد عدم تمايل [دولتى] در رسيدگى به

يا غير دولتى يا منابع معتبر ديگرى که مناسب تشخيص مى دهد، جستجو نمايد و مى تواند شهادت کتبي يا شفاهى در مقر ديوان دريافت نمايد.

۳- اگر دادستان به اين نتيجه برسد که مبنای مستدلى برای پرداختن به تحقيق وجود دارد، بايد درخواستى را به ضميمه کليه اسناد و مدارک تأييدکننده‌ای که جمع آورى کرده است، برای گرفتن مجوز تحقيق به شعبه مقدماتى تسليم نمايد. مجنى عليه مى توانند در شعبه مقدماتى، مطابق آيين نامه دادرسى و ادله طرح شکايت کنند.

۴- اگر شعبه مقدماتى، بر اساس بررسى در خواست [دادستان] و اسناد ضميمه آن ملاحظه نمايد که مبنای مستدلى برای انجام تحقيق وجود دارد و اين که موضوعى برای انجام تحقيق وجود دارد و اين که موضوعى ظاهراً داخل در صلاحيت ديوان است، بايستى اجازه شروع تحقيق را صادر نمايد. و اين امر لطمه اى به تصميمات بعدى ديوان نسبت به صلاحيت و قابل پذيرش بودن موضوع نمی رساند.

۵- امتناع شعبه مقدماتى از صدور اجازه تحقيق مانع ارائه درخواست بعدى دادستان بر اساس حقايق يا ادله جديد در مورد همان وضعيت نخواهد شد.

۶- اگر پس از بررسى مقدماتى مذکور در بند ۱ و ۲، دادستان به اين نتيجه برسد که اطلاعات تهيه شده مبنای مستدلى را برای تحقيق به دست نمی دهد بايستى به کسانی که اين اطلاعات را فراهم کرده اند اطلاع دهد. اين امر مانع بررسى اطلاعات بعدى توسط دادستان که در باره‌ی همان وضعيت در پرتو حقايق و ادله‌ی جديد ارائه مى گردد، نخواهد شد.

الف: يك دولت عضو وضعيتى را که در آن يك يا چند جنايت به نظر مى رسد ارتكاب یافته است، به موجب ماده ۱۴ به دادستان ارجاع نمايد.

ب: شورای امنیت وضعيتى را که در آن يك يا چند جنايت به نظر مى رسد ارتكاب یافته است، به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نمايد.

ج: دادستان تحقيقاتى را به موجب ماده ۱۵ در مورد آن جنايت شروع نموده باشد.

ماده ۱۴

ارجاع وضعيت توسط يك دولت

عضو

۱- يك دولت عضو مى تواند موضوعى را که ظاهراً در آن يك يا چند جنايت مشمول صلاحيت ديوان ارتكاب یافته است، به دادستان ارجاع و در خواست تحقيق نمايد به اين منظور که مشخص شود آیا شخص يا اشخاصى بايد به ارتكاب آن جنايات متهم شوند.

۲- تا حد امکان در هر ارجاع بايستى اوضاع و احوال مربوط مشخص شده و همراه با اسناد مثبت‌ای باشد که در دسترس دولت ارجاع کننده‌ی قضيه قرار دارد.

ماده ۱۵

دادستان

۱- دادستان مى تواند خود رأساً بر اساس اطلاعاتى که در مورد جنايات مشمول صلاحيت ديوان به دست مى آورد، تحقيقات را آغاز نمايد.

۲- دادستان بايستى در باره‌ی اهميت اطلاعاتى که دريافت کرده، بررسى و تحليل نمايد. بدین منظور وی مى تواند اطلاعات اضافى را از دولتها، ارکان ملل متحد، سازمانهاى بين‌الدولى

موضوعی خاص دیوان بایستی با توجه به اصول دادرسی شناخته شده در حقوق بین‌الملل ملاحظه نماید که آیا یک یا چند مورد از شرایط ذیل وجود دارد یا [خیر].

الف: رسیدگی به این منظور انجام شده یا در دست انجام است یا تصمیم ملی به این منظور اتخاذ شده است که شخص مورد نظر از مسئولیت کیفری در قبال جنایات داخل در صلاحیت دیوان مذکور در ماده ۵ مصور نگاهدارد؛

ب: تأخیری غیر قابل توجیه در رسیدگی وجود داشته است که با توجه به اوضاع و احوال با قصد اجرای عدالت نسبت به شخص مورد نظر مغایرت دارد؛

ج: رسیدگی انجام شده یا در دست انجام به طور مستقل یا بی‌طرفانه نبوده و به نحوی صورت گرفته یا می‌گیرد که در آن شرایط با قصد اجرای عدالت نسبت به شخص مورد نظر مغایرت دارد؛

۳- به منظور تصمیم‌گیری در مورد عدم توانایی [دولتی] در قضیه‌ای خاص، دیوان بایستی با توجه به فروپاشی کامل یا قابل ملاحظه نظام قضائی ملی یا در دسترس نبودن چنین نظام قضائی نسبت به ناتوانی آن دولت در مورد به دست آوردن متهم یا دلیل و شاهد یا اصولاً انجام دادرسی نظر دهد.

ماده ۱۸

تصمیم‌مقدماتی در باره قابلیت پذیرش

۱- هنگامی که موضوعی به موجب بند الف ماده ۱۳ به دیوان ارجاع شده است و دادستان رأی داده است که اساس مستدلی برای شروع تحقیق وجود دارد؛ یا آن که دادستان تحقیقی را به موجب بند ج ماده ۱۳ و ماده ۱۵ آغاز کرده است، دادستان بایستی [این تصمیم را] به کلیه دولتهای عضو و دولتهایی که با توجه به اطلاعات موجود معمولاً بر

جنایات مورد نظر اعمال صلاحیت می‌نمایند اعلام کند.

دادستان می‌تواند مراتب را به صورت محرمانه به آن دولتها اعلام نماید و در صورتی که دادستان محرمانه بودن اطلاعات را برای حفاظت از اشخاص یا جلوگیری از نابودی ادله یا جلوگیری از اختفای اشخاص لازم بداند، می‌تواند دامنه اطلاعاتی را که ارسال می‌کند، محدود نماید.

۲- در فاصله یک ماه از دریافت اعلامیه، هر دولتی می‌تواند به دیوان اطلاع دهد که از اتباع خود یا تبعه‌ی کشور دیگر در حدود صلاحیت قضائی نسبت به اعمالی که مشمول جنایات مندرج در ماده ۵ بوده و با اطلاعات موجود در اعلامیه به دولتها، مرتبط، است مشمول تحقیق می‌باشد یا تحقیقاتی به عمل آورده است. بنا به درخواست آن دولت دادستان بایستی تحقیق از آن اشخاص را به آن دولت نماید، مگر آن که شعبه‌مقدماتی بنا به درخواست دادستان اجازه تحقیق [برای وی] صادر کند.

۳- دادستان می‌تواند ۶ ماه پس از واگذاری امر تحقیق به یک دولت یا هر زمانی که تغییر مهمی در اوضاع و احوال بر اساس عدم تمایل یا عدم توانائی آن دولت بر اجرای تحقیق صادقانه پدید آمد، در آن تجدید نظر نماید.

۴- دولت مورد نظر یا دادستان می‌توانند از قرار صادره توسط شعبه‌مقدماتی به موجب بند ۲ ماده ۸۳ نزد شعبه استیناف تقاضای تجدید نظر کند. در خواست تجدید نظر می‌تواند با قید فوریت مورد رسیدگی قرار گیرد.

۵- هنگامی که دادستان تحقیقی را به موجب بند ۲ [به دولتی] واگذار می‌کند می‌تواند از آن دولت بخواهد که وی را به صورت دوره‌ای از پیشرفت تحقیقاتش یا هر تعقیب بعدی مطلع

گرداند دولتهای عضو بایستی به چنین درخواستی بدون تأخیر غیر ضروری پاسخ دهند.

۶- دادستان تا زمان صدور قرار شعبه‌مقدماتی یا در هر زمانی که تحقیقی برای به موجب این ماده [به دولتی] واگذار کرده است می‌تواند استثنائاً از شعبه‌مقدماتی تقاضای اختیاراتی برای پیگیری اقدامات تحقیقی لازم به منظور حفظ ادله بنماید. این در مواردی است که فرصت منحصر به فردی برای تحصیل ادله مهم وجود دارد یا در مواردی است که احتمال خطر زیادی وجود دارد که به چنین مدارکی بعداً نتوان دست یافت.

۷- دولتی که نسبت به قرار شعبه‌مقدماتی به موجب این ماده اعتراض کرده است می‌تواند به موجب ماده ۱۹ نسبت به قابل پذیرش بودن موضوعی [توسط محکمه] به دلیل حقایق مهم بعدی یا تغییر مهمی در اوضاع و احوال اعتراض نماید.

ماده ۱۹

اعتراض به صلاحیت محکمه یا قابل پذیرش بودن موضوع

۱- محکمه باید اطمینان حاصل کند که نسبت به موضوعی که به او عرضه شده است صلاحیت دارد. محکمه می‌تواند راساً نسبت به قابل پذیرش بودن موضوعی بر طبق ماده ۱۷ تصمیم بگیرد.

۲- قابل پذیرش بودن موضوعی به دلایلی که در ماده ۱۷ به آنها اشاره شده یا صلاحیت محکمه می‌تواند توسط شخص یا دولتهای ذیل مورد اعتراض قرار گیرد.

ب: دولتی که بر موضوع صلاحیت دارد؛ به دلیل آن که در حال تحقیق یا تعقیب موضوع است یا آن که تحقیق یا تعقیب را انجام داده است، یا

تحقیق را تا آن زمان که محکمه تصمیمی بر طبق ماده (۵) اتخاذ کند، به حالت تعلیق درآورد.

ج: دولتی که به موجب ماده ۱۲ پذیرش صلاحیت [محکمه] از سوی او لازم است.

۳_ دادستان می‌تواند رأی دیوان را در باره‌ی مسأله‌ی صلاحیت یا قابل پذیرش بودن [موضوعی] بخواهد. در جریان بررسی مسأله صلاحیت یا قابلیت پذیرش، کسانی [مراجعی] که به موجب ماده ۱۳ موضع را [به محکمه] ارجاع کرده‌اند همچنین قربانیان [مجنی علیه] نیز می‌توانند نظریات خود را به دیوان تسلیم نمایند.

۴_ قابل پذیرش بودن موضوعی [توسط محکمه] یا صلاحیت محکمه تنها می‌تواند یک بار توسط هر شخصی یا دولتی که در بند ۲ از آنها نام برده شده، مورد اعتراض قرار گیرد. اعتراض بایستی پیش از شروع محاکمه صورت گیرد. در شرایط استثنایی محکمه می‌تواند اجازه دهد که اعتراضی بیش از یک بار و یا در زمانی پس از شروع محاکمه مطرح شود. اعتراض به پذیرفته شدن موضوعی [توسط محکمه] در شروع محاکمه یا با اجازه محکمه پس از شروع محاکمه می‌تواند فقط مبتنی بر بند ۱ (ج) ماده ۱۷ باشد.

الف: پیگیری اقدامات تحقیقی لازم مشابه آنچه در بند ۶ ماده ۱۸ ذکر شده است.

ب: گرفتن اظهارات و شهادت از شاهد یا تکمیل کار جمع آوری و بررسی ادله‌ای که پیش از تسلیم اعتراض شروع شده بوده است؛ و

ج: با همکاری دولتهای ذیربط جلوگیری از اختفای اشخاصی که دادستان قبلاً قرار باز داشت آنها را مطابق ماده ۵۸ درخواست کرده است.

۹_ اعتراض [به صلاحیت محکمه یا پذیرش موضوع توسط محکمه] نباید بر اعتبار اقداماتی که توسط دادستان صورت گرفته یا بر اعتبار دستور یا قرارى که توسط دیوان پیش از آن اعتراض صادر شده، تأثیر بگذارد.

۱۰_ چنانچه دیوان تصمیم گرفته است که موضوعی به موجب ماده ۱۷ غیر قابل پذیرش است، دادستان در صورتی که کاملاً اطمینان حاصل کند حقایق جدیدی پیدا شده است که اساس تصمیم قبلی [محکمه] به موجب ماده ۱۷ مبنی بر غیر قابل پذیرش بودن موضوع را نفی می‌کند می‌تواند درخواستی برای بازنگری در تصمیم تسلیم نماید.

۱۱_ چنانچه دادستان، با رعایت مسائل مذکور در ماه ۱۷ تحقیقی را متوقف نموده باشد، می‌تواند درخواست کند که دولت ذیربط اطلاعات مربوط به روند رسیدگی را در اختیار وی قرار دهد. این اطلاعات در صورت درخواست دولت ذیربط، محرمانه خواهد بود. چنانچه دادستان متعاقباً تصمیم به ادامه‌ی

۲_ عدم جواز دوباره محاکمه بر ای یک جرم [اعتبار امر محکوم به]

۱_ به غیر از موارد مذکور در این اساسنامه هیچ شخصی را نمی‌توان در محکمه در ارتباط با [اتهام ارتکاب] جرمی که قبلاً در محکمه به خاطر آن محکوم یا از آن براءت حاصل کرده است، محاکمه کرد.

۲_ کسی که [به اتهام ارتکاب] یکی از جرایم مندرج در ماده ۵ در محکمه محکوم یا از آن تبرئه شده است، در دادگاه دیگری [به جرم همان جنایت] محاکمه نخواهد شد.

۳_ کسی که برای ارتکاب عملی که به موجب مواد ۶ و ۷ و ۸ جرم شناخته شده، توسط دادگاه دیگر محاکمه شده است، توسط محکمه [جزایی بین‌المللی] برای همان رفتار محاکمه نخواهد شد، مگر آن که جریان دادرسی در دادگاه دیگر:

الف: به منظور صیانت شخص مورد نظر از مسئولیت کیفری جنایت مشمول صلاحیت دیوان بوده است، یا آن که

ب: دادرسی مستقلانه و بی طرفانه مطابق ملاکهای شناخته شده حقوق بین الملل صورت نگرفته و به شیوه‌ای انجام شده که، در اوضاع و احوال مرقبوظه مغایر با قصد اجرای عدالت نسبت به شخص مورد نظر بوده است.

۵_ دولتهای مذکور در بندهای ۲ (ب) و (ج) در اولین فرصت اعتراض [خود] را تسلیم نمایند.

۶_ اعتراض به پذیرش موضوعی [توسط محکمه] یا اعتراض به صلاحیت محکمه چنانچه پیش از تأیید اتهامات باشد بایستی به شعبه مقدماتی ارجاع شود [اما] پس از تأیید اتهامات بایستی به شعبه بدوی ارجاع شود. از تصمیمات مربوط به صلاحیت یا قابلیت پذیرش می‌توان در شعبه استیناف بر طبق ماده ۸۳ پژوهش خواهی کرد.

۷_ چنانچه اعتراض توسط دولتی صورت گرفته باشد که در بند ۲ (ب) یا ۲ (ج) از آن نام بره شده دادستان بایستی

they are not shams or unfair of could lead to the death penalty. Trials are often likely to be more efficient and have greatest impact when they take place where much of the evidence is located, the accused and most victims and witnesses live and most participants are familiar with the legal system and language.

However, in many cases, trials which meet these standards have been impossible in the countries where the crimes occurred. Legislation making such conduct crimes may not exist or the legal system may have collapsed. the county may not have the resources for such trials or to provide security for suspects, victims, witnesses or others involved in the proceedings. Prosecutors may not have the political will to open investigatios. They may be prevented from investigating or prosecuting such crimes by executive authorities – some of whom may be implicated in such crimes – or by amnesties, pardons or similar measures of impunity.

What about universal jurisdiction, as in the Pinochet case?

The courts of all states have the authority and, it is increasingly recognized, the duty under international law, to bring to justice those who are responsible for genocide, crimes against humanity and war crimes no matter where they occurred. The exercise by national courts of such universal jurisdiction will be extremely useful when sspents visit their countries or seek refuge there or when the state where the crimes occurred extradites suspects. Universal jurisdiction will also help fill a gat in the

statute by permitting those responsible for crimes committed in the territories of states which have not ratified the statute to be brought to justice. However, the number of such cases is likely to remain limited for the foreseeable future.

Why not simply establish ad hoc international criminal tribunals when needed?

In the more than half a century since Nuremberg and Tokyo, the security council has established only two ad hoc international criminal tribunals. Although the international criminal tribunal for the former Yugoslavia, established in 1993, and the international criminal tribunal for Rwanda, established in 1994, have become increasingly effective, with the majority of those who have been publicly indicted and whose cases are still being pursued arrestec,



The first bench of the ICC, consisting of 18 judges. Left-right, bottom-top: Mr. Claude Jorda (France), Mr. Mauro Politi (Italy), Ms. Anita Usacka (Latvia), Mr. Sang-hyun Song (South Korea), Mr. Karl T. Hudson-Phillips (Trinidad & Tobago), Ms. Fatoumata Dembele Diarra (Mali), Ms. Akua Kuenyehia (Ghana), Ms. Maureen Harding Clark (Ireland), Ms. Sylvia H. de Figueiredo Steiner (Brazil), Ms. Elizabeth Odio Benito (Costa Rica), Mr. Philippe Kirsch (Canada), Mr. Gheorghios M. Piki (Cyprus), Mr. Erkki Kourula (Finland), Mr. Adrian Fulford (United Kingdom), Ms. Navanethem Pillay (South Africa), Mr. Hans-Peter Kaul (Germany), Mr. Renee Blatmann (Bolivia) and Mr. Tuoma Neroni Slade (Samoa).

jurisdiction over the crime and individual (see questions 4 and 5.)

2. states which have ratified the rome statute may ask the prosecutor to investigate a situation where one or more of the crimes has been committed, but only if the court has jurisdiction.

3. the UN security council can ask the prosecutor to investigate a situation where one or more of the crimes has been committed. Unlike methods 1 and 2, the ICC will have jurisdiction when the UN security council refers the situation to the prosecutor, even if the crimes committed in the territory of a state party to the statute or the accused person is a citizen of a state party to the statute, unless the security council referw a situation to the court. The reluctance of the security council to establish ad hoc international criminal

occurred in the territory of a state which has not ratified the rome statute or was committed by the national of such a state.

In each of these situations, however, it is up to the prosecutor, not the states or the security council, to decide whether to open an investigation and, based on that investigation, whether to prosecute, subject to judicial approval.

8. why is it essential that as many countries as possible ratify the Rome statute?

the prosecutor can only initiate an investigation where the crime has been

trichinals for situations other than the former Yugoslavia and Rwanda suggests that is not likely to refer many situations to the court. Therefore, to a great extent, the court's effectiveness will be measured by how many states ratify the statute.

The International Criminal Court Fact sheet 2

Introduction of the international criminal court

"I urge you and your fellow parliamentarians around the world to speed up the process of ratification of the rome statute. We must not lose the momentum in bringing this extraordinary achievement to fruition at the earliest possible date.

Kofi Annan, united nations secretary – general. Address to the Swedish parliament, 28 May 1999

For more than half a century since the Nuremberg and Tokyo trials, states have largely failed to bring to justice those

responsible for the millions of victims of genocide, crimes against humanity and war crimes. The Rome statute of the international criminal court (statute) will help to solve this problem by providing for the establishment of a permanent international criminal court (ICC) to bring perpetrators to justice and to provide redress to victims when states are unable or unwilling to do so. To a great extent, its success will depend upon widespread ratification of the statute.

Why cannot trials be left to courts in the countries where the crimes occurred?

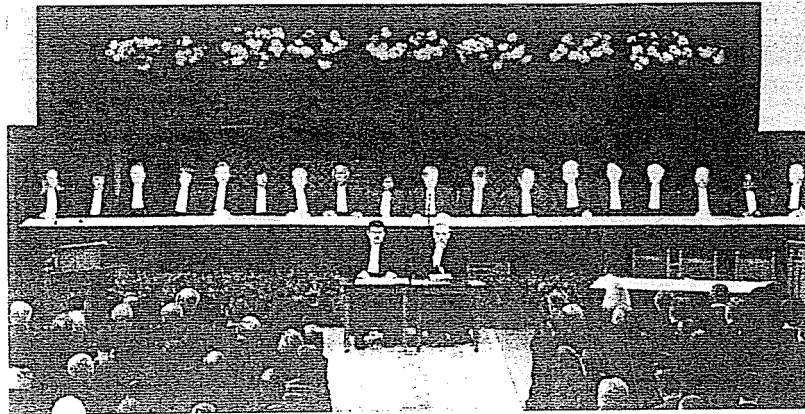
As a general rule, trials should take place where the crimes occurred, provided that

Shamefully only a handful of those responsible for these crimes have ever been brought to justice by national courts – most perpetrators have therefore committed these crimes in the knowledge that it was extremely unlikely they would be brought to justice for their actions.

The ICC will serve the following purposes :

It will act as a deterrent to people planning to commit grave crimes under international law;

It will prompt national prosecutors – who have the primary responsibility to bring those responsible for these crimes to justice



The ICC judges at the inaugural ceremony in The Hague, where they were sworn in, 11 March 2003

– to do so;

Victims and their families will have the chance to obtain justice and truth, and begin the process of reconciliation;

It will be a major step towards ending impunity.

4. what effect will the ICC have on a national courts?

The national courts will always have jurisdiction over such crimes. Under the principle of complementarity," the ICC will only act when the national courts are unable or unwilling to do so. For example, a government may be unwilling to prosecute its own citizens. Especially if they are high ranking, or where the criminal justice system has collapsed as a result of an internal

conflict, there may be no court capable of dealing with these types of crimes.

5. when can the court prosecute individuals suspected of committing grave crimes under international law?

The court has jurisdiction to prosecute individuals when:

Crimes have been committed in the territory of state which has ratified the rome statute;

Crimes have been committed by a citizen of a state which has ratified the rome statute;

A state which has not ratified the rome statute has made a declaration accepting the court's jurisdiction over the crime;

Crimes have been committed in a situation which threatens of breaches international peace and security and the UN security council has referred the situation to the court pursuant to chapter 7 of the UN charter.

6. will the court be able to prosecute individuals for crimes committed before the court's establishment?

NO. the court will only have jurisdiction over crimes committed after the rome statute enters into force (after the 60th ratification)

7. Who will decide which cases the court will prosecute?

The rome statute provides that cases can originate in the court three different ways :

1. the court's prosecutor can initiate an investigation into a situation where one of more of the crimes has been committed, based on information from any source, including the victim or the victim's family, but only if the court has jurisdiction over the crime and individual (see questions 4 and 5.)

AMNESTY INTERNATIONAL

The International Criminal Court Fact sheet 1

Introduction of the international criminal court

"The establishment of the court is still a gift of hope to future generations, and a giant step forward in the march towards universal human rights and the rule of law"

Kofi Annan, United Nations Secretary General, 18 July 1998 at the signing of the Rome statute of the international criminal court in Rome.

2. When will the ICC be established?

In July 1998 a diplomatic conference adopted the Rome statute of the ICC (Rome statute) by an overwhelming vote of 120 in favour and only seven against (21 abstained). The Rome statute defines the crimes, how the court will work and what states must do to cooperate with it. The Rome statute provides that the court will come into existence when 60 states have ratified it.

By 10 July 2000, 97 states had taken the first step towards ratification by signing the statute and 14 of them had ratified it. (Refer to the coalition for an international criminal court's website for updated information : www.iccnw.org)

1. What is the international criminal court?

The international criminal court (ICC) will be a permanent independent judicial body created by the international community of states to prosecute the gravest possible crimes under international law: genocide, other crimes against humanity and war crimes.

3. Why is the court necessary?

Although, over the past half century the international community has created international and regional systems of human rights protection, millions of people have continued to be the victims of genocide, crimes against humanity and war crimes.